

سال سیزدهم
شماره ۳۵۸۳
یکشنبه
۲۹ حمل ۱۴۰۰
۱۸ اپریل ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

شتابزدهگی موافقان
فدرالیسم و ایستادهگی
مخالفان آن



۷



غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

بانکداری الکترونیک،

فارغ از محدودیت زمان و مکان

انتقالات بین حسابات غضنفر بانک
انتقالات به حسابات بانک های خارجی
درخواست برای چک بوک
درخواست برای ماستر دیت کارت
دریافت صورت حساب مکمل حساب بانکی
اجرای انتقالات بین المللی به صورت آنلاین به طور ۲۴ ساعته
دریافت رمز موقت معاملات آنلاین، توسط ایمیل



ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید

+93 (0) 792 214 214 | www.ghazanfarbank.com



برگزاری نشست استانبول در ۲۴ اپریل محل تردید است

۳

نگاهی به جایگاه زنان در پیش نویس توافق نامه صلح افغانستان

مشارکت زنان در جامعه و سیاست همواره یکی از بحث های داغ در مجامع سیاسی ملی و بین المللی بوده است. اکنون که در بحبوحه تحولات نو به سر می بریم که در بستر آن سیاست و جامعه به سوی مسیر جدید رهنمون خواهد شد، مشارکت زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۴



۷۵ درصد دانش آموزان در غور صنف درسی ندارند



براساس آمار مقام های محلی غور، ۷۵ درصد دانش آموزان در این ولایت صنف درسی ندارند و در فضای باز درس می خوانند. اعضای شورای ولایتی غور نیز باور دارند که افزون بر نبود صنف های درسی، رسم های ناپسند و نامتنی، اساسی ترین مشکلات معارف در ولایت محروم غور به شمار می رود. نماینده گان غور در مجلس نماینده گان هم با فشاری دارند که از سال ها پیش در این ولایت توجهی به معارف نشده و همواره حکومت در این بخش بی پروا بوده است. آنان ادعا دارند که بارها مشکلات معارف را به گوش حکومت مرکزی رسانده اند، اما اقدامی برای رفع مشکلات نشده است. از جانب دیگر، مقام های محلی غور باور دارند که نبود ساختمان برای مکتب ها، کمبود معلم، نبود کتاب درسی و کاهش سهم گیری مردم در روند آموزش و پرورش، مشکلات مهم معارف است، اما برای رفع این مشکلات با همکاری حکومت مرکزی تلاش می شود.

۳

خانه آزادی بیان انیسه شهید را به عنوان «چهره آزادی بیان» معرفی کرد



این خانه از سوی جمعی از خبرنگاران و مسوولان رسانه ای ایجاد شده است. هدف از ایجاد خانه آزادی بیان، تلاش برای ایجاد تشکل فراگیر، متکثر و صنفی حرفه ای برای خبرنگاران و کارکنان رسانه ای عنوان شده است. در نخستین اعلامیه خانه آزادی بیان خواست توقف کشتار هدفمند خبرنگاران و غیر نظامیان، رسیده گی عاجل به پرونده های قتل و خشونت علیه خبرنگاران مطرح شده است. تضمین مصونیت خبرنگاران و حفظ آزادی بیان، تأمین شفافیت در روند صلح از طریق دست رسی به جزئیات گفت و گوها، تضمین حضور نماینده گان خبرنگاران و رسانه ها در روند صلح و در مجموع حفظ آزادی بیان به عنوان یک حق بنیادین از دیگر خواست های خانه آزادی بیان است.

صبح، کابل: خانه آزادی بیان، انیسه شهید، گزارشگر و خبرنگار تلویزیون طلوع نیوز را به عنوان «چهره آزادی بیان» معرفی کرده است. انیسه شهید از میان یک هزار و ۷۰۰ خبرنگار کشور این عنوان را کسب کرده است. خانه آزادی بیان هم چنان از کاردهای عصمت الله سروش، گزارشگر روزنامه اطلاعات روز، کریم امینی، گزارشگر طلوع نیوز، عبدالرئیب سایل، گزارشگر خبرنگاری پژواک و رحیم گل ساروان، خبرنگار صدای امریکا تقدیر کرده است. کارکرد خبرنگارانی که برای دریافت عنوان «چهره آزادی بیان» نامزد شده بودند، از سوی هیات داوران خانه آزادی بیان مورد بررسی قرار گرفته است. خانه آزادی بیان افغانستان نیز در مراسم معرفی «چهره آزادی بیان» اعلام موجودیت کرد.

افغانستان در آزمون بزرگ صلح و ادامه جنگ

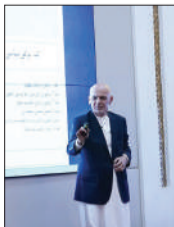
تصمیم خروج نیروهای ناتو و امریکایی از افغانستان، آن هم در عصر صلح و ادامه جنگ، پیام تازه جامعه جهانی به این کشور است. این تصمیم ابعاد پیچیده و پنهان دارد که جدا قابل تأمل است.



۴

سناریوهای محتمل برای آینده سیاسی محمد اشرف غنی

جدی شدن بحث صلح و خروج نیروهای ایالات متحده امریکا از کشور و آرایه طرح های جدی برای ایجاد حکومت موقت از آدرس های متفاوت، باعث شده است تا جایگاه رییس جمهور محمد اشرف غنی بیش تر مورد توجه و نقد قرار گیرد.



۸

ارتش ۲۰ نیروی دولتی را از یک زندان طالبان در ولسوالی خاشرود نیمروز آزاد کرد

هفت تن از اعضای گروه طالبان به شمول بشیر از فرماندهان کلیدی این گروه کشته شده اند. گروه طالبان به این خبر واکنش نشان نداده است. پیش از این نیز نیروهای امنیتی با اجرای یک رشته عملیات در ولایت های مختلف چندین زندان طالبان را درهم شکسته اند. در نتیجه این رشته عملیات شمار زیادی از نیروهای امنیتی آزاد شده اند.

صبح، کابل: نیروهای ارتش با اجرای عملیاتی در ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز ۲۰ نیروی دولتی را از یک زندان طالبان آزاد کرده اند. وزارت دفاع ملی روز شنبه، بیست و هشتم حمل با اعلام این خبر گفته است که در میان زندانیان رها شده ۱۷ منسوب ارتش و سه منسوب پولیس شامل اند. طبق اعلام وزارت دفاع ملی، در جریان این عملیات

صبح ۸

روزنامه صبح ۸ برای سال ۱۴۰۰ مشترک می پذیرد

یک ساله	۶ ماهه	
دفا تر داخلی	۴۰۰۰ افغانی	۸۰۰۰ افغانی
دفا تر خارجی	150 \$	300 \$
دانشجویان	۲۰۰۰ افغانی	۶۰۰۰ افغانی

همه روزه از روزیدها و خبرها آگاه شوید.
با گرفتن اشتراک در روزنامه،
صبح را پشت درب منزل تن دریافت کنید.

shaparsepehr@gmail.com
0700175510 - 0788788799



تصمیم فرصتسوز و نشست استانبول

تصمیم گروه طالبان برای پرهیز از شرکت در نشست تاریخی استانبول یک تصمیم فرصتسوز برای سرنوشت صلح و ثبات افغانستان است. گروه طالبان هفته گذشته در واکنش به اعلام زمان برگزاری نشست استانبول گفت که این گروه، پیش از خروج کامل سربازان بین‌المللی از افغانستان در هیچ نشستی، از جمله نشست استانبول، شرکت نخواهد کرد. این تصمیم در صورتی که ثابت بماند و تغییر نکند، یک تصمیم فرصتسوز برای صلح و ثبات و آینده افغانستان خواهد بود.

واکنش گروه طالبان نسبت به اعلام جدول زمانی تازه برای خروج سربازان بین‌المللی از افغانستان نیز منفی بود. مقامات امریکایی و ناتو هفته گذشته اعلام کردند که سربازان خود از افغانستان را در یک بازه زمانی تقریباً پنج ماهه - از اول می تا یازدهم سپتامبر - بیرون می‌کنند. این اعلام برای رهبران طالبان که مخالف ادامه حضور این سربازان از اول می به بعد در افغانستان هستند، ناراحت کننده و خلاف توقع و انتظار بود. به همین علت، طالبان هشدار داده‌اند که سربازان خارجی را به خاطر نقض توافق‌نامه دوحه از اول می به بعد هدف حمله قرار خواهند داد.

برای برگزاری نشست استانبول، شرکت نماینده‌گان دولت و گروه طالبان هردو شرط است. شرط دیگر برگزاری این نشست، آماده‌گی سازمان ملل متحد برای رهبری و مدیریت و آماده‌گی ترکیه برای میزبانی از این نشست است. سازمان ملل متحد و کشور میزبان گفته‌اند که آماده هستند تا نشست استانبول را برای ده روز - از بیست و چهارم اپریل تا چهارم می - برگزار، رهبری و میزبانی کنند. دولت افغانستان به رغم اعلام آماده‌گی برای شرکت در نشست استانبول، تا هنوز طرح صلح و هیأت اعزامی خود برای این نشست را نهایی نکرده است. در مقابل، گروه طالبان با صراحت گفته است که این گروه پیش از خروج کامل سربازان بین‌المللی از افغانستان در این نشست شرکت نخواهد کرد. با توجه به این وضعیت، فعلاً سرنوشت برگزاری نشست استانبول در هاله ابهام فرو رفته است و اطمینان چندانی از برگزاری این نشست در تاریخ فوق وجود ندارد.

سازمان ملل متحد، ترکیه، امریکا و قطر فعلاً در تلاش هستند که گروه طالبان را برای شرکت در نشست استانبول قانع کنند. اثرات این تلاش‌ها اما تاکنون در موضع گروه طالبان دیده نمی‌شود. با توجه به این که گروه طالبان از موضع قدرت و پیروزی حرف می‌زند، قانع کردن این گروه برای شرکت در نشست استانبول یک کار بسیار دشوار است. بنابراین، اگر تلاش‌های بین‌المللی در ترغیب گروه طالبان برای شرکت در نشست استانبول ناکام شود، این نشست برگزار نخواهد شد؛ زیرا برگزاری آن در غیاب گروه طالبان یک کار عبث و بیهوده خواهد بود.

تا برگزاری نشست استانبول حدود یک هفته زمان باقی مانده است. اگر موضع گروه طالبان در برابر این نشست تغییر نکند، یک فرصت بزرگ تاریخی برای حل‌وفصل جنگ افغانستان از راه گفت‌وگو از دست خواهد رفت. نشست استانبول آن گونه که اعلام شده است، یک نشست تاریخی برای تصمیم‌گیری درباره صلح افغانستان و آینده این کشور است. از دست دادن این فرصت تاوان بزرگی است که جبران آن بسیار سخت خواهد بود.

فعلاً سرنوشت نشست استانبول با تصمیم گروه طالبان گره خورده است. سازمان ملل متحد هرگز علاقه‌مند به برگزاری نشستی نیست که یک رکن اصلی آن غایب باشد. به همین شکل، ترکیه هم از نشستی میزبانی نخواهد کرد که در آن گروه طالبان حضور نداشته باشد. علاوه بر آن، تا زمانی که اطمینان کامل از حصول یک نتیجه مطلوب در نشست استانبول وجود نداشته باشد، سازمان ملل متحد و همین‌طور ترکیه زحمت برگزاری و میزبانی آن را به خود نخواهند داد. این نشست زمانی برگزار خواهد شد که از یک طرف نماینده‌گان گروه طالبان در آن حضور داشته باشند و از طرف دیگر از حصول توافق مطلوب در آن اطمینان کامل وجود داشته باشد. در حال حاضر، نه گروه طالبان آماده شرکت در این نشست است و نه هم اطمینان کامل از رسیدن طرف‌ها به یک توافق مطلوب در آن متصور است.

کشورهای اثرگذار جهانی و سازمان ملل متحد در آستانه برگزاری نشست استانبول باید یک‌صدا از گروه طالبان برای شرکت در این نشست دعوت کنند. این دعوت باید با استفاده از دو رویکرد تهدید و ترغیب به صورت هم‌زمان انجام شود. در حالی که از یک‌طرف به مطالبات گروه طالبان در ظروف امکان آن رسیده‌گی می‌شود، به خاطر بیرون کردن خیال «فتح» از سر این گروه باید زیر فشار قرار داده شود. تکیه کردن تنها روی یکی از این دو رویکرد می‌تواند عواقب منفی به همراه داشته باشد و باعث آسیب به روند جاری صلح شود. بیش‌تر این مسوولیت فعلاً بر عهده سازمان ملل متحد و کشورهای است که بنیاد مذاکره بین دولت و طالبان را گذاشته‌اند.



الیاسا ظهري

مسوولان ریاست معارف بامیان می‌گویند که این ولایت در سال جاری خورشیدی، با کمبود جدی آموزگار، نبود صنف‌های کافی درسی و نبود مواد آموزشی لازم در مکاتب، مواجه است. ریاست معارف بامیان از این کمبودها به عنوان شدیدترین نیازمندی‌هایش نام برده و خواهان رسیده‌گی فوری به این مشکلات شده است.

محمدایوب امیری، رییس معارف بامیان، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در گام نخست، فوری‌ترین نیازمندی معارف این ولایت آموزگار است. به گفته آقای امیری، هم‌اکنون ۱۷۵۲ آموزگار در سطح بامیان کمبود است و این مشکل، کیفیت درسی را در مکاتبها به میزان قابل ملاحظه‌ای پایین آورده است. رییس معارف بامیان می‌افزاید که در این صورت، آموزگاران موجود ناگزیرند از آغاز تا پایان روز بدون وقفه درس بدهند؛ در حالی که به گفته او، تدریس قابل قبول به انرژی، آماده‌گی و پلان درسی منظم نیاز دارد، اما از آنجایی که هیچ فرصت آماده‌گی برای آموزگاران باقی نمی‌ماند، کیفیت درس خودبه‌خود پایین می‌آید. وی تأکید می‌کند که مطابق لایحه وظایف نیز آموزگاران مکلف نیستند دو شیفت کامل درس بدهند.

رییس معارف بامیان می‌افزاید که اگر به مشکل کمبود آموزگار در مکاتب بامیان رسیده‌گی نشود، این اداره با مشکلات بسیار جدی روبه‌رو خواهد شد. سال‌های گذشته، کمبود آموزگار در بامیان، از طریق دریافت «حق‌الزحمه» برطرف می‌شده است؛ اما در سال تعلیمی ۱۴۰۰، پرداخت حق‌الزحمه برای آموزگاران این ولایت قطع شده است. آقای امیری می‌گوید که وزارت معارف تاکنون در این خصوص تصمیم نگرفته و مشخص نیست که آیا این مشکل برطرف می‌شود یا خیر. سال‌های گذشته برخی از موسسات به هدف همکاری با معارف، صنف‌های محلی را برای کودکان در روستاهای دوردست فعال می‌کردند؛ اما در سال جاری این همکاری وجود ندارد. قطع همکاری موسسات، مشکلات ریاست معارف بامیان را بیش‌تر کرده است.

۶۰ باب مکتب بدون ساختمان و کمبود ۱۹۰۰ صنف درسی

بربنیاد معلوماتی که ریاست معارف بامیان به روزنامه ۸ صبح ارائه کرده، در حال حاضر در سطح این ولایت ۳۳۸ باب مکتب فعال است و از این میان ۶۰ باب مکتب ساختمان ندارد. دانش‌آموزان این مکتب‌ها در فضای باز و یا هم در زیر خیمه‌ها برای آموزش گردهم جمع می‌شوند. محمدایوب امیری، رییس معارف بامیان، می‌گوید که با این حال، ولایت بامیان در مرحله اول ساخت ۶۰۰۰ مکتب از تعهدات رییس جمهور شامل نبود، اما قرار است در سال جاری خورشیدی، ۱۸ باب مکتب از طریق برنامه ملی «میشاق شهروندی» در این ولایت ساخته شود. همین‌طور کار ساخت احاطه ۱۱ باب مکتب دیگر نیز قرار است روی دست گرفته شود. اما به گفته آقای امیری، تا این‌جای کار همه‌چیز در حد وعده است و ریاست معارف تاکنون اطمینان حاصل نکرده که کار ساختمانی این مکتب‌ها در سال جاری عملاً آغاز

کمبود ۱۷۵۲ آموزگار؛

بیش از ۵۱ هزار کودک در بامیان از رفتن به مکتب محروم‌اند



می‌شود یا خیر. طبق معلومات رییس معارف بامیان، امسال قرار است سه مکتب دیگر از طریق موسسات همکار ساخته شود.

معلومات ریاست معارف بامیان نشان می‌دهد که افزون بر مکتب‌های فاقد ساختمان، بسیاری از مکتب‌هایی که ساختمان هم دارند، با مشکل شدید کمبود صنف‌های درسی مواجه‌اند. به نقل از رییس معارف بامیان، در حال حاضر در سطح ولایت بامیان، حدود ۱۹۰۰ صنف درسی کمبود است. براساس معلومات ریاست معارف این ولایت، جمعیت در حال بیش‌تر شدن است و شمار دانش‌آموزان نیز همه‌ساله افزایش می‌یابد، به همین دلیل صنف‌های درسی موجود، کافی نیست.

در همین حال حاجی اسدالله امانی، آمر لیسسه پسرانه مرکز بامیان، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که افزون بر کمبود آموزگار، نیمی از صنف‌های لیسسه پسرانه مرکز بامیان بدون تجهیزات و امکانات درسی است، از کمبود میز و چوکی گرفته تا نبود کتاب‌های درسی. لیسسه پسرانه مرکز بامیان نزدیک به هفت هزار دانش‌آموز دارد. برای این شمار دانش‌آموز فقط ۷۷ آموزگار وجود دارند که به گفته آمر مکتب، هرگز کافی نیست. آقای امانی می‌افزاید که نظر به سال‌های پیش، کیفیت درسی در لیسسه پسرانه مرکز بامیان پایین آمده است. کمبود آموزگار، نبود تجهیزات لازم، کمبود صنف، نبود مواد آموزشی و با این حال سرازیر شدن دانش‌آموزان دیگر مکتب‌ها به لیسسه پسرانه مرکز بامیان، از دلایلی‌اند که به گفته آقای امانی، کیفیت درسی را در این مکتب متأثر ساخته است. به عنوان نمونه، در لیسسه پسرانه مرکز بامیان، در یک صنف «بیش از هشتاد» دانش‌آموز می‌نشینند، در چوکی‌های سه نفری، پنج دانش‌آموز می‌نشینند که حتا نمی‌توانند درس ارائه شده در

روی تخته را یادداشت‌برداری کنند. آمر لیسسه پسرانه مرکز بامیان، از وزارت معارف می‌خواهد که به این مشکلات هرچه زودتر رسیده‌گی کند: «رییس جمهور زنگ مکتب را امسال با شعار «معارف باکیفیت، آینده درخشان» نواخت، اما کیفیت بدون معلم و کتاب و صنف درسی ممکن نیست. اگر قرار است کیفیت درسی بالا برود، باید به نیازمندی‌ها رسیده‌گی شود.»

بیش از ۵۰ هزار کودک در بامیان از آموزش محروم‌اند

ریاست معارف بامیان آمار درستی از کودکانی

می‌کند، می‌گوید چند مورد اتفاق افتاده است که از «کرایه موتر مسافر» به دلیل نداشتن «پول میده» گذشته است.

برخی از باشندگان کابل روایت می‌کنند که برای تبدیل کردن پول ناگزیر شده‌اند که بدون داشتن ضرورت «کریدت کارت موبایل» بخرند تا «پول میده» به دست آورند.

بانک مرکزی این مشکل را می‌پذیرد، اما می‌گوید که روند توزیع بانک‌نوت‌های جدید در کابل و ولایت‌ها آغاز شده است و همه‌روزه جریان دارد.

عصمت کوهسار، سخنگوی بانک مرکزی، به روزنامه ۸ صبح گفت که براساس قراردادی که با یک شرکت چاپ پول امضا شده است، حدود ۳۸۰ میلیون قطعه پول افغانی چاپ می‌شود که بخشی از آن به کشور رسیده و توزیع آن نیز آغاز شده است.

به گفته کوهسار، بانک مرکزی همه‌روزه بانک‌نوت‌های کهنه را جمع‌آوری و در بدلش بانک‌نوت جدید توزیع می‌کند. افزون بر این، کوهسار گفت که توزیع بانک‌نوت‌های جدید به بانک‌های تجارتي نیز جریان دارد.

سخنگوی بانک مرکزی ابراز امیدواری کرد که با توزیع بانک‌نوت‌های جدید، مشکل کمبود «پول خرد» در بازارهای کشور رفع شود.

بانک مرکزی قرارداد ۳۸۰ میلیون بانک‌نوت (۱۰ افغانی، ۲۰ افغانی، ۵۰ افغانی و ۱۰۰ افغانی) را با شرکت امنیتی چاپ پول پولند (PWPW) امضا کرده است.

سفارت پولند در هند در هفدهم دلو سال گذشته اعلام کرد که اولین دسته از بانک‌نوت‌های جدید افغانستان را تحویل داده است و دسته بعدی نیز تا پایان سال ۲۰۲۲ میلادی چاپ و تحویل داده خواهد شد.

کمبود پول خرد در بازارها؛ بانک مرکزی توزیع بانک‌نوت جدید را آغاز کرد

برگزاری نشست استانبول در ۲۴ اپریل محل تردید است



عبدالحمید حسینی

هم‌زمان با نزدیک شدن زمان برگزاری نشست استانبول، شورای عالی مصالحه ملی می‌گوید که دولت برای شرکت در این نشست آماده‌گی می‌گیرد.

مسئولان در این شورا تصریح می‌کنند که در حال حاضر کارها

روی نهایی‌سازی طرح و فهرست هیأت اشتراک‌کننده دولت ادامه دارد و به زودی این روند نهایی می‌شود. قرار است پس از تایید و نهایی شدن طرح پیشنهادی دولت از سوی کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی، یک نسخه از آن به ارگ ریاست جمهوری نیز فرستاده شود. رای‌زنی‌ها در حوزه جمهوری در حالی ادامه می‌یابد که گروه طالبان هنوز آماده‌گی‌شان را برای اشتراک در این نشست اعلام نکرده‌اند و ترکیب هیأت دولت نیز به دلیل آن چه مشخص نشدن سهم و سوبه هیأت گروه طالبان است، مبهم باقی مانده است. این گروه به دنبال اعلام زمان خروج نیروهای بین‌المللی، تصریح کرد که تا زمان خروج این نیروها، در هیچ نشست پیرامون بحث روی وضعیت افغانستان شرکت نمی‌کند. از جانب دیگر حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار می‌گوید که هر چند نقض توافق‌نامه دوحه و تاخیر در خروج نیروهای امریکایی از افغانستان سبب بی‌اعتمادی شده است، اما طالبان نباید تحت هیچ نوع شرایطی گفت‌وگوهای صلح را متوقف کنند. قرار بود نشست استانبول در بیست‌وهفتم حمل برگزار شود، اما گروه طالبان اعلام کرد که برای شرکت در این نشست آماده‌گی ندارد. در ادامه ترکیه چهارم ثور را به عنوان زمان برگزاری این نشست اعلام کرد، اما با توجه به مخالفت گروه طالبان، برگزاری این نشست در این تاریخ نیز در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

با وجود تاخیر در آغاز نشست استانبول، گروه طالبان هنوز هم آماده‌گی خود را برای شرکت در این نشست اعلام نکرده است. دولت اما تاکید می‌کند که تحت هر نوع شرایطی آماده شرکت در این نشست است. فریدون خوزون، سخنگوی شورای عالی مصالحه ملی، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی برای نهایی‌سازی طرح‌ها و فهرست هیأت اشتراک‌کننده کار می‌کند و به زودترین فرصت آن را نهایی می‌سازد. وی تاکید کرد که دولت افغانستان تحت هر نوع شرایطی در این نشست اشتراک

برگزاری نشست استانبول در ۲۴ اپریل محل تردید است



می‌کند و همه آماده‌گی‌ها برای شرکت در این نشست گرفته شده است. هر چند او در مورد ترکیب هیأت دولت چیزی نگفت، اما پیش‌تر منابع به روزنامه ۸صبح گفته بودند که دولت برای اعلام ترکیب هیأت خود، انتظار مشخص شدن ترکیب هیأت طالبان را می‌کشد؛ زیرا در صورت حضور نیافتن سطح رهبری گروه طالبان در استانبول، رهبران جهادی و سیاسیون بلندرتبه نیز از آدرس دولت در این نشست اشتراک نمی‌کنند. در این میان اما موضع گروه طالبان به عنوان یکی از طرف‌های مذاکرات نامشخص است. این گروه تاکنون آماده‌گی‌شان برای شرکت در این نشست را اعلام نکرده‌اند. از سوی دیگر مشخص شدن زمان خروج نیروهای امریکایی از افغانستان این نشست را زیر شعاع برده است. گروه طالبان در تازه‌ترین واکنش خود گفته است که تا زمان خارج شدن امریکا از افغانستان، این گروه در هیچ یک از نشست‌هایی که در مورد افغانستان برگزار می‌شود، شرکت نمی‌کند. این در حالی است که مطابق اعلام زمان خروج نیروهای خارجی از افغانستان، این روند در اول ماه می آغاز می‌شود و در یازدهم سپتامبر سال جاری پایان می‌یابد.

حکمتیار: تجربه بعد از سقوط نجیب نباید تکرار شود

گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی، در یک نشست خبری در کابل گفت که تاخیر در زمان خروج نیروهای خارجی سبب ایجاد بی‌اعتمادی شده است، اما گروه طالبان نباید برای رسیدن به صلح مذاکرات را ترک کند. او از نحوه اعلام زمان خروج نیروهای امریکایی انتقاد کرد و گفت که هر چند این تصمیم «یک‌جانبه» و «خلاف انتظار همه» به شمول مردم افغانستان و امریکا بود، اما امریکا باید تا مشخص شدن مذاکرات

استانبول اعلامش را به تأخیر می‌انداخت یا هم آن را به «موافقت افغان‌ها» مشروط می‌کرد. حکمتیار تصریح کرد که این تصمیم امریکا هیچ کمکی به بحران افغانستان نمی‌کند. او هر چند خروج نیروهای خارجی را یک پیش‌رفت دانست، اما تصریح کرد که عیب اساسی آن، «یک‌جانبه» و «در مغایرت با معاهده طالبان» بوده است. رهبر حزب اسلامی بیان کرد که این تصمیم امریکا تشویش‌هایی را به میان آورده است که احتمال دارد امریکا در ماه سپتامبر نیز از افغانستان خارج نشود و این روند به تأخیر بیفتد.

حکمتیار گفت: «اگر امریکا تعهد کند که نیمی از نیروهایش را در ماه می از افغانستان خارج می‌کند و همه هم مطمئن شوند، به این ترتیب هر ماه ۵۰ درصد از نیروهایش خارج می‌کند و تعهد کند که در امور داخلی افغانستان مداخله نمی‌کند، این تشویش از میان خواهد رفت. در این صورت می‌توانیم که معضل را حل کنیم.»

گلبدین حکمتیار به طالبان مشورت داد که اگر برای رسیدن به صلح اراده دارند یا می‌خواهند جنگ کنند، ارتباط‌شان به گفت‌وگوهای صلح را قطع نکنند. او تأکید کرد که شرکت نکردن گروه طالبان در مذاکرات صلح به فایده‌شان نیست. رهبر حزب اسلامی افزود که همه صلح می‌خواهند و گروه طالبان باید در مقابل این خواست ایستاد نشود. او تصریح کرد که اگر برای موقف‌شان دلایل قوی دارند، با شرکت در مذاکرات، دلایل‌شان را ارایه کنند. او خطاب به طالبان گفت: «مذاکرات را شروع کنید، به خداوند توکل کنید. امیدوارم که مطابق دستورات خداوند عمل کنند. نقض معاهده دوحه از سوی امریکا، باید باعث نشود که طالبان از نشست با افغانان خودداری کنند.»

از جانب دیگر گلبدین حکمتیار از گروه طالبان خواست

که در نشست استانبول اشتراک و با برقراری آتش‌بس مشروط موافقت کند. حکمتیار به طالبان پیشنهاد کرد که در این نشست شرط‌هایی مثل تغییر حکومت کنونی، تطبیق روند خروج نیروهای خارجی، عدم دخالت خارجی‌ها در امور افغانستان، آزادی زندانیان سیاسی و نظامی، بیرون کشیدن نام رهبران طالبان از فهرست سیاه سازمان ملل متحد و پرداخت غرامت جنگی از سوی کشورهای خارجی را در نظر بگیرند. او گفت که در طول بیست سال گذشته خانه‌های مردم ویران و بیش از یک میلیون نفر کشته شده‌اند. حکمتیار افزود که در نشست استانبول باید خسارات بیست سال جنگ مطالبه شود.

هم‌چنان رهبر حزب اسلامی ابراز امیدواری کرد که در نشست استانبول روی برقراری آتش‌بس و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت توافق شود. او گفت که اگر طرف‌های دخیل با طرح روشن و واضح و با اراده صادق در این نشست شرکت کنند، می‌توان برای بیرون‌رفت از جنگ، راه حل دریافت کرد.

حکمتیار اما تصریح کرد که افغانستان برای عبور از مرحله ناامن و بی‌ثباتی، به توافقات و اقدامات نیاز دارد که افغان‌ها را به جلوگیری از فروپاشی نظام، متلاشی نشدن تشکیلات نهادهای اداری و امنیتی کمک کند. او تأکید کرد که این نظام نباید متلاشی شود. او گفت: «اردو و نهادهای امنیتی نباید متلاشی شوند. تجربه بعد از سقوط نجیب باید تکرار نشود. حفظ نظام و تشکیلات اداره نهادهای امنیتی چیزی مهم است که باید همه طرف‌ها به آن اعتنا داشته باشند.»

از سوی دیگر گلبدین حکمتیار تشکیل حکومت ایتلافی را برای افغانستان مناسب ندانست. رهبر حزب اسلامی افزود که برای عبور از این بحران باید حکومت غیرایتلافی ایجاد شود. او گفت تجارب نشان داده که حکومت‌های گذشته به دلیل ایتلافی بودن آن، ناکام بوده‌اند.

پیش از این منابع به روزنامه ۸صبح گفته بودند که ایالات متحده امریکا تا پایان سال در افغانستان می‌ماند و این کشور با طالبان در این مورد توافق کرده است. منابع تصریح کرده بودند که طالبان نیز در بدل آتش‌بس و ادامه حضور نیروهای بین‌المللی، خواستار رهایی همه زندانیان، حذف نام رهبران‌شان از فهرست سیاه شورای امنیت سازمان ملل متحد و توافق روی حکومت انتقالی شده‌اند. با این حال واکنش اخیر طالبان به اعلام زمان خروج نیروهای امریکایی، احتمال برگزاری نشست استانبول را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. این نشست به رهبری سازمان ملل متحد، امریکا، ترکیه و قطر برگزار می‌شود و هیأت‌هایی از دولت و طالبان در آن اشتراک می‌کنند. نشست استانبول شبیه نشست اول بن است و قرار است در آن در مورد ایجاد دولت انتقالی صلح تصمیم گرفته شود.

۷۵ درصد دانش‌آموزان در غور صنف درسی ندارند



خلیل رسولی

براساس آمار مقام‌های محلی غور، ۷۵ درصد دانش‌آموزان در این ولایت صنف درسی ندارند و در فضای باز درس می‌خوانند. اعضای شورای ولایتی غور نیز باور دارند که افزون بر نبود صنف‌های درسی، رسم‌های ناپسند و ناامنی، اساسی‌ترین مشکلات معارف در ولایت محروم غور به شمار می‌رود. نماینده‌گان غور در مجلس نماینده‌گان هم پافشاری دارند که از سال‌ها پیش در این ولایت توجهی به معارف نشده و همواره حکومت در این بخش بی‌پروا بوده است. آنان ادعا دارند که بارها مشکلات معارف را به گوش حکومت مرکزی رسانده‌اند، اما اقدامی برای رفع مشکلات نشده است. از جانب دیگر، مقام‌های محلی غور باور دارند که نبود ساختمان برای مکتب‌ها، کمبود معلم، نبود کتاب درسی و کاهش سهم‌گیری مردم در روند آموزش و پرورش، مشکلات مهم معارف است، اما برای رفع این مشکلات با همکاری حکومت مرکزی تلاش می‌شود. مشکلات موجود در معارف غور، نگرانی فعالان مدنی و ساکنان این ولایت را به دنبال داشته است. کنش‌گران مدنی غور از وجود کاستی‌های فراوان در معارف این ولایت ابراز نگرانی کرده و خواهان توجه حکومت مرکزی در این زمینه هستند. حسن حکیمی، از کنش‌گران مدنی غور، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که در بسیاری از ولسوالی‌ها مکتب‌های دخترانه مسدود است و پسران هم که دروازه مکتب‌ها برای‌شان باز است، با کمبود کتاب درسی، معلم، ساختمان و صنف درسی روبه‌رو هستند. به گفته او، در بسیاری از مکتب‌ها حتی خیمه برای دانش‌آموزان وجود ندارد تا آنان از شر سرمای سوزناک غور و گرمای سوزان آفتاب در امان باشند و دانش‌آموزان در فضای باز درس



مقام‌های مرکزی در میان گذاشته شد، اما هیچ گوش شنوایی در حکومت برای شنیدن صدای آنان وجود نداشت تا درد محرومیت و مشکلات معارف غور را بشنود. این عضو مجلس نماینده‌گان افزود که آموزش و پرورش در غور به حالت «وحشتناکی» بی‌کیفیت است و مکتب، معلم و کتاب برای یادگیری وجود ندارد و مشکلات امنیتی هم مانع بزرگ دیگری برای فعالیت مکتب‌ها و فراگیری دانش به شمار می‌رود.

مسئولان ریاست معارف غور مشکلات موجود در این نهاد را می‌پذیرند و نبود ساختمان، کمبود معلم و نبود کتاب درسی برای دوره‌های متوسط و عالی را اساسی‌ترین مشکلات عنوان می‌کنند، اما پافشاری دارند که تمام مکتب‌ها باز و فعال است. میراحمد حسینی، آمر تعلیمات عمومی و سرپرست ریاست معارف غور، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که در این ولایت ۲۲۴ هزار دانش‌آموز هستند که ۸۴ هزار تن آنان دختر هستند و توسط ۴۷۰۰ آموزگار در ۸۲۸ مکتب تدریس می‌شوند.

او می‌افزاید که از مجموع بیش از ۸۰۰ مکتب این

ولایت، تنها ۲۱۶ مکتب ساختمان دارد که آن هم غیرمعیاری است. با این حساب، حدود ۷۵ درصد دانش‌آموزان در ولایت غور صنف درسی ندارند و در فضای باز درس می‌خوانند.

افزون بر این، آمار مقام‌های ریاست معارف غور نشان می‌دهد که در صنف‌های اول تا ششم، ۵۰ درصد کتاب درسی وجود ندارد و در دوره‌های متوسطه و عالی «حتا یک جلد کتاب» برای دانش‌آموزان موجود نیست.

مقام‌های محلی غور می‌گویند که مشکلات معارف را به گونه مکتوب به مرکز کشور فرستاده‌اند و در تلاش هستند تا چالش‌های حوزه آموزش و پرورش برطرف شود. عبدالظاهر فیض‌زاده، والی غور، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌پذیرد که معارف این ولایت با مشکلات فراوانی روبه‌رو است و باید توجه بیش‌تری به این بخش صورت گیرد. به عقیده والی غور، با وجود مشکلات و کاستی‌های فراوان در بخش معارف، مکتب‌های دخترانه و پسرانه دوره ابتدایی حتا در مناطق زیر کنترل طالبان فعال است، اما در برخی ولسوالی‌ها طالبان اجازه نمی‌دهند دختران بیش‌تر از دوره متوسطه درس بخوانند.

ریاست معارف غور پافشاری دارد که در کنار نبود صنف و کتاب درسی، این نهاد با مشکل کمبود آموزگار نیز دست به گریبان است و معارف نیازمند استخدام حدود سه هزار آموزگار جدید می‌باشد تا روند تدریس به گونه عادی انجام شود.

با این‌همه، فعالان مدنی غور از پی‌آمدهای ناگوار مشکلات معارف در این ولایت هشدار می‌دهند و باور دارند که نارسایی‌های موجود در حوزه معارف، آینده هزاران کودک و نوجوان دانش‌آموز را تهدید می‌کند و مسوولیت آن بر دوش افرادی است که به معارف غور طی دو دهه اخیر توجه نکرده‌اند.

افغانستاها در آزمون بزرگ صلح و ادا محکم



عبدالوارث سیفانی

افغانستان رفته بودیم؛ گرفتاری اسامه بن لادن و نابودی پناهگاه‌های امن القاعده. و تا جایی که من به خاطر دارم، ما هیچ‌گاهی برای متحد ساختن مردم افغانستان نرفته بودیم. اصلاً آن کشور هیچ‌گاهی متحد نبوده است.»

از این دیدگاه آقای بایدن معلوم می‌شود که امریکا به دنبال اهداف خویش است و طی این سال‌ها مصروف اهداف خودش بوده است. امریکایی‌ها عاشق چشم و ابروی مردم افغانستان نیستند که این‌جا پول به مصرف برسانند و سربازان‌شان کشته شوند.

این مسأله در ذهن مردم افغانستان باید روشن باشد که امریکا هیچ‌گاهی سربازان خویش را به خاطر افغان‌ها قربانی نمی‌کند و نخواهد کرد و اگر قربانی هم می‌کند، قطعاً به خاطر اهداف خودش است. ولی این هم معلوم است که امریکایی‌ها افغانستان را به ساده‌گی ترک نخواهند کرد. افغانستان برای امریکا اهمیت استراتژیک دارد و این اهمیت زمینه ماندن ایالات متحده را در این کشور تقویت می‌کند.

من به خروج کامل تردید دارم. امریکا برای اهداف مهم خود در افغانستان می‌ماند و این کشور را ترک نمی‌کند. هرچند که امریکا در این جنگ

تصمیم خروج نیروهای ناتو و امریکایی از افغانستان، آن‌هم در عصر صلح و ادامه جنگ، پیام تازه جامعه جهانی به این کشور است. این تصمیم ابعاد پیچیده و پنهان دارد که جدا قابل تأمل است.

دولت افغانستان پس از بیست سال حضور کشورهای عضو ناتو و امریکا، در تازه‌ترین مورد قرار است تنها با نیروهای تحت امر خودش از جغرافیای این سرزمین در برابر گروه طالبان و گروه‌های افراطی دیگر حراست و حفاظت کند.

برنامه خروج نیروهای امریکایی از افغانستان در سال ۲۰۱۴ مطرح بود که به دلیل ادامه جنگ و عدم کاهش خشونت‌ها، این خروج نهایی نشد و حالا جو بایدن، رییس جمهور ایالات متحده امریکا برنامه خروج نیروهای کشورش را در ۱۱ سپتامبر سال جاری (۲۰۲۱) اعلام کرده است.

اگر حضور امریکا در افغانستان کالبدشکافی شود، دقیقاً آنچه که رییس جمهور بایدن بیان داشت، هدف امریکا جز این موارد، چیزی دیگر نبود. «از آغاز کاملاً واضح بود که ما به خاطر دو هدف به

تصمیم خروج نیروهای ناتو و امریکایی از افغانستان، آن‌هم

در عصر صلح و ادامه جنگ، پیام تازه جامعه جهانی به این کشور است. این تصمیم ابعاد پیچیده و پنهان دارد که جدا قابل تأمل است. دولت افغانستان پس از بیست سال حضور کشورهای عضو ناتو و امریکا، در تازه‌ترین مورد قرار است تنها با نیروهای تحت امر خودش از جغرافیای این سرزمین در برابر گروه طالبان و گروه‌های افراطی دیگر حر است و حفاظت کند.

شکست خورده قلمداد می‌شود؛ ولی برای آن کشور، افغانستان اهمیت فراوان دارد.

حالا فرضیه بر این شده است که ناتو و امریکا از افغانستان یک‌جا خارج می‌شوند و این خروج عجولانه بدون این‌که وضعیت جنگ در افغانستان درک شود و با حکومت افغانستان مشورت و هماهنگی صورت گیرد، چه نتیجه‌ای می‌تواند داشته باشد؛ کاملاً واضح است که افغانستان در یک قدمی جنگ علیه خودی قرار دارد.

ادامه گفت‌وگوهای میان افغانی و برگزاری کنفرانس استانبول از موارد دل‌گرم‌کننده‌ای است که اکثریت افغان‌ها به نتیجه این گفت‌وگوها دل بسته‌اند و گمان می‌برند که این گفت‌وگوها برای افغانستان صلح را فراهم می‌کند و جنگ را به پایان می‌رساند.

بدون تردید، هر بحرانی که به وجود می‌آید، مهار آن به مدیریت سالم ضرورت دارد که باید به گونه درست مدیریت گردد. من به مدیریت آقای غنی به عنوان فرد اول کشور تردید دارم. او بحران پس از خروج ناتو

و امریکا را مدیریت نمی‌تواند.

افغانستان در عصر حاضر با آزمون بزرگی روبه‌رو است که این آزمون بدون تردید سرنوشت این کشور را تعیین می‌کند؛ به سوی جنگ می‌رویم یا پروسه صلح را مدیریت می‌کنیم و به سوی صلح می‌رویم.

این قضیه دو رخ دارد؛ می‌بریم یا می‌بازیم. اساساً اگر رهبران افغانستان طی بیست سال گذشته از حضور جامعه جهانی استفاده موثر می‌کردند و تمامی امکانات را به گونه شفاف مدیریت می‌نمودند، امروز ما نگران آینده نمی‌بودیم و از خروج ناتو و امریکا هم هراسی نمی‌داشتیم؛ ولی ما از تمام منابع استفاده نادرست کردیم و نتوانستیم شرایط را به نفع کشور تغییر دهیم.

حالا دو راه برای دولت افغانستان باقی مانده است؛ یا با خروج نیروهای ناتو و امریکا به تنهایی از کشور دفاع کند که می‌کند، یا با توسل به دیپلماسی برای جلب حمایت کشورهای دیگر به خاطر دفاع از افغانستان آستین بالا بزند.

از آن‌جایی که طالبان با قاطعیت جنگ می‌کنند؛ ایستاده‌گی در برابر آنان به تنهایی کارساز نخواهد بود. برای این‌که نیروهای دفاعی افغانستان به آن شکلی که باید مدرنیزه می‌شدند، نشده‌اند و نیاز به تقویت بیش‌تر و فراهم‌آوری تسهیلات بیش‌تر دارند. خلاصه کلام این‌که، مردم افغانستان در شرایط کنونی در برابر یک آزمون بزرگ برای دفاع از خاک و تمامیت ارضی کشور خویش قرار دارند و خروج جامعه جهانی به بغرنجی این آزمون افزوده و برای بسیاری از مردم دلهره پیدا شده است که ما بدون جامعه جهانی قادر به دفاع از خود نیستیم و حضور ناتو و امریکا هنوز ضروری به نظر می‌رسد.

دیده شود که افغانستان با آزمون پیش آمده چه می‌کند و به کدام جهت حرکت خواهد کرد و در این رقابت‌های پیچیده بین‌المللی چه چیزی نصیب مردم افغانستان می‌شود. صلح یا ادامه جنگ در این‌جا مهم‌ترین فاکتور مدیریت این آزمون است که برای دولت‌مردان افغانستان واگذار شده است و مردم افغانستان چشم انتظار پایان این ماجرا هستند.

نگاهی به جایگاه زنان در پیش‌نویس توافق نامه صلح افغانستان



صفورا مزاری

مشارکت زنان در جامعه و سیاست همواره یکی از بحث‌های داغ در مجامع سیاسی ملی و بین‌المللی بوده است. اکنون که در بحبوحه تحولات نو به سر می‌بریم که در بستر آن سیاست و جامعه به سوی مسیر جدید رهنمون خواهد شد، مشارکت

زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

واقعیت این است که با توجه به رشد و افزایش توانمندی زنان در ۱۸ سال گذشته، بازگشت به دوره سیاه طالبان و خانه‌نشینی زنان امکان‌پذیر نیست. بخش عظیمی از زنان در شهرهای بزرگ و کوچک، به تحصیلات عالی دست یافته و در بخش‌های مختلف جامعه به حیث داکتر، معلم، خبرنگار و مدیر ایفای وظیفه کرده‌اند و در جهت شکوفایی جامعه خود گام بر می‌دارند. به همین سبب، نقش و جایگاه آنان در دولت پساصلح، حایز اهمیت است. این انتظار از دولت و شورای عالی مصالحه ملی به عنوان اصلی‌ترین حامی حقوق شهروندان وجود دارد تا از جایگاه زنان در گفت‌وگوهای صلح با طالبان، حفاظت کنند.

معاون رییس جمهور و شمولیت یک زن در بین چهار معاون صدراعظم با توجه به جامعه مردسالار افغانستان نوعی حفاظت از حقوق زنان در رهبری قوه اجراییه خواهد بود. شاید این پیشکش به زنان، به تاسی از در نظر گرفتن کرسی‌های پارلمان در قانون اساسی برای آنان بوده است. اما باید این نکته را خاطر نشان ساخت که دیدگاه جامعه و زنان نسبت به ضرورت حضور آنان در جامعه امروز نسبت به زمانی که زنان به تازه‌گی از یوغ ظلم و ستم طالبان رهایی یافته بودند، تغییر کرده است. حضور تنها دو زن در بین ده چهره سیاسی مرد کشور، علاوه بر این‌که نمی‌تواند تبلور حضور نسبی از جامعه باشد، زنان را در جایگاه دوم و ضعیف نسبت به مردان قرار خواهد داد.

نکته حایز اهمیت بعدی، جایگاه شخص رییس جمهور و صدراعظم است. از روح حاکم بر این پیش‌نویس، این برداشت صورت می‌گیرد که اشخاصی که به عنوان رییس جمهور و صدراعظم انتخاب خواهند شد و بر این کرسی‌ها تکیه خواهند زد، مردان هستند. این نقشه راه، هرچند برای دوره انتقالی سه ساله در نظر گرفته شده؛ اما گویای این واقعیت تلخ تاریخی در کشور است که اگر تهداب کج گذاشته شود، دیوار تا ثریا کج خواهد رفت. مثال

واضح آن، حکومت دوامدار قوم پشتون است که این تصور را در جامعه افغانستان به وجود آورده است که حتا اگر سیستم حکومتی مبتنی بر انتخابات در کشور برقرار باشد، رییس جمهور همواره یک پشتون خواهد بود. بنابراین، گذاشتن این سنگ تهداب که حضور زنان در بخش ریاست قوه اجراییه کشور تنها به حضور دو تن در پست معاونت خلاصه شود، نمی‌تواند قابل قبول یک جامعه مبتنی بر ارزش‌های انسانی و توسعه‌گرا باشد.

مسأله مهم دیگری که در این پیش‌نویس در بحث مسایل مربوط به زنان مطرح است، بخشی تحت عنوان قوه قضاییه است. در این بخش، حل و فصل دعاوی مدنی در مطابقت با قانون دولت در نظر گرفته شده؛ اما شیوه‌های بررسی این دعاوی را از طریق شیوه‌های غیردولتی، عرفی و سنتی قابل اجرا و مجاز دانسته است. همان‌طور که بر همه‌گان معلوم است، بخش بزرگی از دعاوی مدنی، شامل موضوعات وصیت، ازدواج، طلاق و حضانت فرزندان است که زنان همواره یک پایه اصلی این دعاوی هستند. واگذاری حل و فصل این دعاوی به شیوه‌های عرفی و سنتی با توجه به فرهنگ مردسالار و سنتی کشور، دست‌یابی حقوق زنان به حقوق حقه آنان را در پرده‌ای از ابهام خواهد برد.



که دربرگیرنده رییس جمهور و چهار معاون به شمول یک زن، صدراعظم و چهارمعاون به شمول یک زن و... خواهد بود. از نظر ترسیم‌کننده‌گان این پیش‌نویس، شمولیت یک زن در بین چهار

مشارکت زنان در جامعه و سیاست همواره یکی از بحث‌های داغ در مجامع سیاسی ملی و بین‌المللی بوده است. اکنون که در بحبوحه تحولات نو به سر می‌بریم که در بستر آن سیاست و جامعه به سوی مسیر جدید رهنمون خواهد شد، مشارکت زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

واقعیت این است که با توجه به رشد و افزایش توانمندی زنان در ۱۸ سال گذشته، بازگشت به دوره سیاه طالبان و خانه‌نشینی زنان امکان‌پذیر نیست. بخش عظیمی از زنان در شهرهای بزرگ و کوچک، به تحصیلات عالی دست یافته و در بخش‌های مختلف جامعه به حیث داکتر، معلم، خبرنگار و مدیر ایفای وظیفه کرده‌اند و در جهت شکوفایی جامعه خود گام بر می‌دارند. به همین سبب، نقش و جایگاه آنان در دولت پساصلح، حایز اهمیت است. این انتظار از دولت و شورای عالی مصالحه ملی به عنوان اصلی‌ترین حامی حقوق شهروندان وجود دارد تا از جایگاه زنان در گفت‌وگوهای صلح با طالبان، حفاظت کنند.

در این نوشته، تلاش می‌شود تا به بررسی جایگاه زنان در پیش‌نویس ارایه شده کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی پرداخته شود.

در بخش دوم این پیش‌نویس دو گزینه برای رفتن به سوی صلح ترسیم شده است. گزینه الف) حکومت صلح و گزینه ب) دولت انتقالی صلح.

در گزینه الف یک جدول وجود دارد، با عنوان رسیدن به حالت مطلوب. در این بخش، عناوینی برای رسیدن به حالت مطلوب ذکر شده که بسیار نامفهوم است. اما در گزینه ب) شرح و بسط مفصلی از یک طرح وجود دارد که به بررسی گرفته می‌شود. در این پیش‌نویس، قوه اجراییه‌ای ترسیم شده است



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، کولابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه ۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

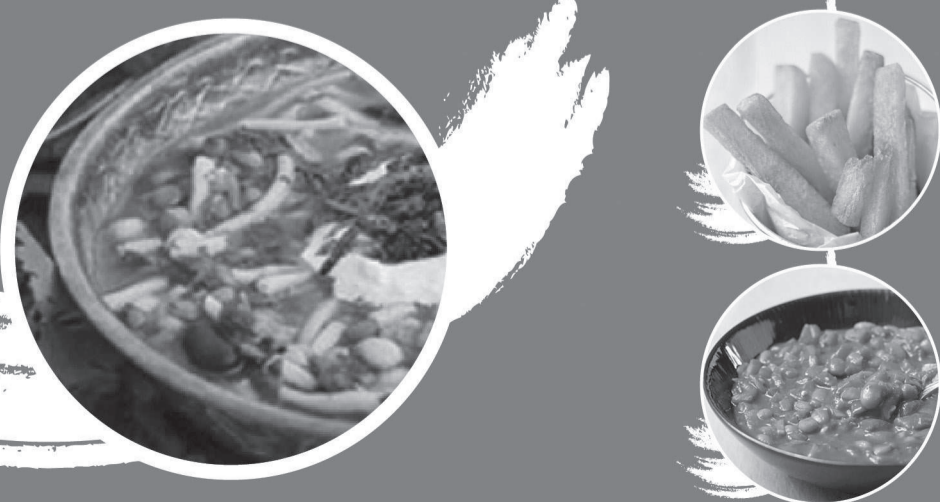
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آشردلیذیر

یک بار امتحان کنید بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابه مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



ابراهیم نویی
قسمت چهارم

طنز؛ سکس، دین، سیاست

برای این که طنز بنویسید، از چیزهای مختلفی می‌توانید استفاده کنید: سیاست، سکس، دین، اعتقادات مردم، تمسخر نادانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات سیاسی، تمسخر دیکتاتوری و چیزهای دیگر که به خصوص در کشورهای غیردموکراتیک رایج است. در این میان، مسائلی مثل سکس و شوخی با مسائل جنسی، شوخی با مسائل دینی و اعتقادات درست یا غلط مردم و برخورد تند و رادیکال با رهبران سیاسی در طنز جذابیت زیادی دارد. مثلاً، وقتی شما رهبران سیاسی کشور را احمق و بی‌شعور و نادان قلمداد می‌کنید، دل مردم خنک می‌شود و آنان احساس می‌کنند که بخشی از مشکلاتشان حل شده و کسی از زبان آنان سخن گفته است. یا وقتی به دین و اعتقادات دینی که طالبان هم به آن معتقد هستند، فحاشی می‌کنید، جز این که احساس شجاعت می‌کنید، به خصوص اگر سه هزار کیلومتر دورتر از طالبان زنده‌گی کنید، هم خودتان احساس رضایت می‌کنید و هم دل مردم خنک می‌شود. هم‌چنین اگر با مسائل جنسی در یک جامعه اخلاقی شوخی کنید، خودبه‌خود مردم می‌خندند و حال خوشی به آن‌ها دست می‌دهد. من از این سه شیوه، کم‌تر استفاده می‌کنم. نه به خاطر این که بلد نیستم، نه؛ به خاطر این که احساس می‌کنم هم خودم احمقانه طنز نوشتم و هم مردم را احمق کردم.

وظیفه موکد طنزنویس افزایش دانش و آگاهی مردم است. استفاده از توهین‌های تند یا شوخی‌های بی‌پرده یا الفاظ رکیک در طنز، مثل پرتاب کردن سنگ یا زدن مشت و لت‌وکوب دشمن است. وظیفه طنزنویس کتک زدن دشمن نیست؛ بلکه دادن آگاهی به مردم است. به مردمی که از زاویه دینی به راحتی ممکن است مورد سوءاستفاده قرار بگیرند؛ مردمی که به طور معمول به حقوق زنان توهین می‌کنند و مردمی که فحش دادن برای‌شان از گفت‌وگو کردن راحت‌تر است. وظیفه طنزنویس دادن دانایی و آگاهی به مردم است. خواننده طنز پس از خواندن یک طنزچیزه از نجیب‌الله دزداد یا شعری از کاکه تیغون یا داستانی از احسان‌الله سلام یا پارچه طنزی از مسعوده خزان باید احساس کند که

طنز چیست؟

به گمان من استفاده زیاد و سنگین از این سه مورد (سکس، دین و سیاست رادیکال) هم طنزنویس را ابله و سبک مغز و هم مخاطب را احمق و ساده لوح می‌کند. منظور من این نیست که هیچ وقت از واژه‌های جنسی نباید استفاده کرد. سکس و جنسیت یک بخشی از زنده‌گی و چه بسا بخش بزرگی از زنده‌گی و هم‌چنین بخش مهمی از آسیب‌های اجتماعی جوامعی مثل افغانستان و ایران است. و ما نمی‌توانیم به آن بی‌اعتنا باشیم. اما وقتی باید راجع به مسائل جنسی حرف بزنیم که ضرورت داشته باشد، نه وقتی که هیچ حرفی برای گفتن نداریم و از سر بی‌حرفی سراغ سکس می‌رویم. وقتی مسأله قومیت و تضاد قومی در افغانستان جامعه را به خطر می‌اندازد، فحش دادن به طالبان بیست سال قبل چه جایی دارد؟ اگر چه باید مواظب باشیم ملا عمرهای تازه به جای آن ملا عمر رفته به وجود نیایند.



آگاهی بیش‌تری نسبت به مشکلاتشان به دست آوردند. شهاب ترشیزی در اشعار طنزش به فراوانی از سکس و جنسیت استفاده کرده و ثابت کرده که فلان دشمنش حرامزاده بوده یا فلان آدم از نظر جنسی فاسد بوده و روزی ده بار فلان فساد را مرتکب می‌شده است، آیا خواندن طنز او - که من شخصاً از خواندنش لذت می‌برم - نقشی در آگاهی و دانایی مخاطب دارد؟

به گمان من استفاده زیاد و سنگین از این سه مورد (سکس، دین و سیاست رادیکال) هم طنزنویس را ابله و سبک مغز و هم مخاطب را احمق و ساده لوح می‌کند. منظور من این نیست که هیچ وقت از واژه‌های جنسی نباید استفاده کرد. سکس و جنسیت یک بخشی از زنده‌گی و چه بسا بخش بزرگی از زنده‌گی و هم‌چنین بخش مهمی از آسیب‌های اجتماعی جوامعی مثل افغانستان و ایران است. و ما نمی‌توانیم به آن بی‌اعتنا باشیم. اما وقتی باید راجع به مسائل جنسی حرف بزنیم

زنده‌گی کردند و این وحشی‌گری که در سی چهل سال گذشته در افغانستان، ایران، عراق و سوریه بوده، در پنجاه سال گذشته در میان مسلمانان وجود نداشته، آنچه توحش و کثافت و حماقت را در این جوامع با دین ترکیب کرده، سوءاستفاده از دین برای کسب قدرت است. پس باید با ترکیب کردن دین و دولت، دین و سیاست، دین و تروریسم، دین و ایدئولوژی جنگید. در دو کشور ایران و افغانستان یک اشتباه در دو زمان رخ داد؛ در ایران دکتر شریعتی از دین به عنوان اسلحه علیه دیکتاتوری استفاده کرد و در افغانستان نیز طالبان از دین به عنوان اسلحه علیه کمونیسم استفاده کردند و در هر دو جا دین به عاملی علیه مردم تبدیل شد؛ چرا که تبدیل به اسلحه شد. باید با اسلحه جنگید، وظیفه طنزنویس در این‌جا خلع سلاح دین است؛ دینی که برای آرامش یا اخلاق یا حنا اعتقاد غلط بی‌ضرر باشد، اشکالی ندارد.

بیش از هر چیزی ما در طنز درگیر مشکل سیاست هستیم، به دلیل چهل سال بحران سیاسی در افغانستان و ایران که موجب اختلال در زنده‌گی مردم شده است. مردم غالباً به روش‌های دموکراتیک و پارلمانی بی‌اعتماد هستند و احزاب به سختی می‌توانند شکل بگیرند. به همین دلیل، فعالان سیاسی معمولاً در هنگام انتخابات انگار می‌خواهند حکومت را عوض کنند. مخالفان و منتقدان و از جمله طنزنویسان به جای انتقاد از دولت به طور کلی دولت را با خاک یکسان و از بیخ نابود می‌کنند و معمولاً جز زدن اتهام و فحاشی کاری نمی‌کنند، به همین دلیل قهر میان منتقدان و دولت همیشه وجود دارد. تندگویی و ژاژخایی در سیاست و فحاشی مدل مطلوب طنز سیاسی در افغانستان و ایران است. ضمن این‌که در هر دو کشور برای طنزنویس و مردم عدالت و برابری مهم‌تر از آزادی است و توجه به این ندارند که اگر عدالت حاکم شود، ممکن است آزادی از میان برود؛ اما اگر آزادی حاکم شود، امکان گسترش عدالت بسیار بیش‌تر است. به گمان من طنزنویس پارسی‌زبان ایرانی و افغانستان باید دنبال راهی برای طنز سیاسی موثر بر دولت و رفتار سیاسی برگردد و کوشش کند تا طنز سیاسی را به ابزاری برای آگاه کردن مردم برای رفتن به سوی دموکراسی بیش‌تر و بهبود زنده‌گی سیاسی کشور تبدیل کند.

تا شماره دیگر، شما را بخیر و ما را به سلامت.

تفاوت‌های خروج شوروی و امریکا از افغانستان

امروز وقتی از خروج نیروهای

امریکایی از افغانستان بحث

می‌شود، برای بسیاری از ما

این سوال وجود دارد که آیا پیامدهای خروج

امریکا همان خواهد بود که پس از خروج

قوای شوروی اتفاق افتاد؟ قابل یادآوری

است که پس از خروج قوای شوروی،

حکومت داکتر نجیب‌الله سه سال ادامه

یافت و در نهایت به دلیل اختلاف درون‌ه و

قطع حمایت مالی و تسلیحاتی شوروی

و فدراسیون روسیه فروپاشید. این نظام

شکست‌نخور، فروپاشید.

حزبی است که در امریکا بر سر قدرت باشد. ایالات متحده، برخلاف فدراسیون روسیه از همان اهداف در افغانستان حمایت می‌کند که در وجود ساختار کنونی قابل پیگیری است. مزید بر آن، ایالات متحده از توانایی بسیار بلند دیپلماتیک و حمایت بین‌المللی برخوردار است و می‌تواند علیه هر گروه داخل اقدام شود که منافع آن را متضرر سازد. وقتی داعش پس از خروج نیروهای امریکایی، بخش‌های زیاد عراق و سوریه را تصرف کرد، امریکا بدون استیذان برگشت و داعش را از عراق راند.

ایالات متحده برخلاف روسیه که در آن زمان بیش‌تر به مسایل داخلی‌اش مصروف شد، به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی منافع مشخص در منطقه و رقابتی بالقوه مانند روسیه و چین و دشمنانی مانند ایران و گروه‌های تروریستی منطقه‌ای و بین‌المللی دارد که نمی‌تواند به ساده‌گی از کنار آن بگذرد.

۳- حکومت داکتر نجیب‌الله توسط یک حزب بزرگ که همه سطوح جامعه، نظامی، امنیتی و سیاسی را در دست داشت، اداره می‌شد. اختلاف درونی در حزب و تلاش‌ها برای کودتاهای گوناگون، سبب چند دسته‌گی در حزب و عرصه‌های مختلف از جمله نیروهای مسلح شد که در پایان کار هر دسته به گروه‌های دشمن مورد نظر خودشان پیوستند و نظام فروپاشید.

دولت کنونی افغانستان توسط حزب سیاسی اداره نمی‌شود. اهم اقتصادی به دست افراد مشخص است که برای حفظ آن منافع شخصی دارند. مزید بر نیروهای ارتش، ملیشه‌های اشخاص قدرتمند، برای حیات‌شان نیاز به مقاومت دارند. مخالفان دولت، به ویژه گروه طالبان هم منسجم نیستند و تصویر بسیار



سلطان احمد بهیین

با رشد سالیانه ۴,۵ درصد است. با آن‌که فدراسیون روسیه و جمهوری مردم چین با رشد سریع نظامی و اقتصادی، امریکا را به چالش می‌کشند؛ اما تا هنوز اقتصاد ایالات متحده توانایی کامل مصارف نظامی‌اش را دارد.

۲- فدراسیون روسیه که جانشین اتحاد شوروی شد، سیاست متفاوت از شوروی را تعقیب می‌کرد. پلستین، رییس جمهوری فدراسیون روسیه، همراه با همتاهای اوکراینی و بلاروس خویش سند نابودی شوروی را امضا کردند که حامی ایدئولوژیک حکومت ببرک کارمل و سپس نجیب‌الله در افغانستان بود. فدراسیون روسیه که از حمایت اروپای شرقی دست کشید، دلیلی برای حمایت از نجیب‌الله نداشت. برعلاوه، روسیه دیگر توانایی دیپلماتیک نداشت تا حمایت بین‌المللی را برای نجیب‌الله جلب کند.

در ایالات متحده، تصمیم به خروج قبل از دولت بایدن و در زمان رقیب سرسخت انتخاباتی‌اش، دونالد ترامپ گرفته شده بود. این به آن معناست که تداوم سیاست خارجی یک اصل اجتناب‌ناپذیر برای هر

امروز وقتی از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان بحث می‌شود، برای بسیاری از ما این سوال وجود دارد که آیا پیامدهای خروج امریکا همان خواهد بود که پس از خروج قوای شوروی اتفاق افتاد؟ قابل یادآوری است که پس از خروج قوای شوروی، حکومت داکتر نجیب‌الله سه سال ادامه یافت و در نهایت به دلیل اختلاف درونی و قطع حمایت مالی و تسلیحاتی شوروی و فدراسیون روسیه فروپاشید. این نظام شکست‌نخور، فروپاشید.

چه تفاوت‌هایی میان این دو خروج وجود دارد؟

۱- اتحاد شوروی بیش‌تر در نتیجه ناتوانی اقتصادی و بار سنگین جنگ در افغانستان، حمایت بیهوده از کشورهای اروپای شرقی و مسابقه تسلیحاتی با ایالات متحده به زانو درآمد و میخائیل گورباچف جنگ افغانستان را «زخم خونین» خواند که راه علاج، قطع آن است.

ایالات متحده تا هنوز قدرت درجه‌یک اقتصادی جهان



عبدالهادی کمیل

شتابزده گه موافقان فدرالیسم و ایستاده گه مخالفان آن



مهم‌ترین بازیگران حوزه بین‌الملل همان‌گونه که از نامش پیدا است، ملل (ملت‌ها) هستند؛ ملت‌هایی که قادر به تعریف و معرفی خویش‌اند و منفعت و مضرت خود را می‌شناسند. دیگر بازیگران نیز با در نظر داشت منافع و مضار آنان سیاست‌های خویش را تنظیم می‌کنند. در حوزه بین‌الملل، دولت‌ها از ملت‌ها نماینده‌گی می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت که دولت – ملت‌ها بازیگران اصلی حوزه بین‌الملل‌اند. دولت‌ها گردهم می‌آیند و برای تضمین منافع مردم خویش به رقابت می‌پردازند.

کسانی را مساعد می‌کند که در کمین نشست‌اند. به باور من، مطرح ساختن تغییر ساختار نظام سیاسی در کنفرانس ترکیه به پراکنده‌گی و پریشانی این کنفرانس می‌افزاید و از کارایی آن می‌کاهد. زیرا تنش‌های موجود به اندازه کافی مواد گفت‌وگوهای این کنفرانس را فراهم کرده است. از تنش آرگ با سپیدار و آرگ با طالبان، تا تنش طالبان با امریکا، همه قرار است در این کنفرانس حل شود. طرح مسأله تغییر نظام از ظرفیت این کنفرانس خارج است. از طرفی دیگر، تغییر نظام متمرکز به نظام غیرمتمرکز نیازمند افزایش آگاهی و شعور سیاسی مردم است، تا ابزار مداخلات بیرونی و قدرت‌طلبی‌های داخلی نشوند. باید در نخست در حد توان زمینه‌های اجتماعی تغییر نظام را فراهم کنیم. افکار فرسوده آلوده به نفرت و نفاق با لباس مدرن فدرالیسم پنهان نمی‌شود.

مخالفان تغییر نظام سیاسی از امکان منتج شدن تغییر نظام به تجزیه نظام سخن می‌گویند. با در نظر داشت سنگینی هزینه اقدام شتاب‌زده در راستای تغییر نظام، این امکان بعید نمی‌نماید. موافقان تغییر نظام باید با دید واقع‌بینانه‌تر به ارزیابی سنگینی هزینه این تغییر بیندیشند. در غیر آن، این آرمان نیز همانند آرمان‌های سده قبلی دست‌آوردی جز خاک و خون برای ما نخواهد داشت. اما این به آن معنا نیست که ما به وضعیت موجود قناعت کنیم و ساختار نظام سیاسی کنونی را با تمام کاستی‌هایش بپذیریم. بی‌ثباتی و ناامنی ناشی از بحران دولت – ملت‌سازی در کشور، هم‌روزه قربانی می‌گیرد و روز به روز تنش‌های قومی و نژادی افزایش می‌یابد. تنها راهکار برون‌رفت از این وضعیت، ساختن یک نظام سیاسی مبتنی بر نیازها و ویژه‌گی‌های اجتماعی – سیاسی کشور است. بنابراین، مخالفان تغییر نظام سیاسی با درک این واقعیت باید از ایستاده‌گی در مقابل تغییر دست بردارند و به چگونه‌گی طرح و تطبیق یک راهکار سالم برای تغییر ساختار نظام سیاسی فکر کنند.

در نتیجه، موافقان و مخالفان تغییر نظام سیاسی می‌توانند با از میان برداشتن این سوءتفاهم به طرحی جامع و کارا دست یابند که می‌تواند افغانستان را از بحران دولت – ملت‌سازی نجات دهد. با عبور از بحران موجود در این روند، می‌توانیم به عنوان یک بازیگر مستقل در حوزه بین‌الملل حضور پیدا کنیم و همانند دیگر کشورها در مسیر پیش‌رفت قرار بگیریم. وگرنه بدون هویت مشخص بازپچه دیگر بازیگران خواهیم بود.

طرف دیگر، زورمندان و قوماندانان محلی مجال جولان می‌یابند و تا می‌توانند برای حفظ و افزایش قدرت خویش به آتش نفاق و نفرت می‌دمند. حتا اگر این مداخلات و تنش‌ها به تجزیه افغانستان ختم نشود، باز هم هزینه این تنش‌ها بر دوش مردم این سرزمین سنگینی می‌کند. زیرا مانند همیشه مردمی قربانی این آرمان‌ها می‌شوند که نه دل‌باخته نظام متمرکز اند و نه از نظام غیرمتمرکز چیزی می‌دانند. حسرت یک عمر زنده‌گی‌شان، یک شب خواب آرام و یک روز کار با دل جمع است.

توماس بارفیلد، پروفیسور انسان‌شناسی در دانشگاه بوستون امریکا، برای تشریح ساختار سیاسی افغانستان، آن را به میدان قمار تشبیه می‌کند؛ بازیگران حاضر اند همه داشته‌های‌شان را ببازند؛ اما هرگز به جدایی از میدان بازی نمی‌اندیشند. مردمی که سال‌ها در این کشور با هم جنگیده و به رقابت پرداخته؛ اما هیچ‌گاه مسأله تجزیه آن را مطرح نساخته‌اند. حتا به پیوستن به مردمان هم‌تبار خویش در پشت مرزهای این سرزمین نیز فکر نکرده‌اند. هرچند این تشبیه ساختار سیاسی – اجتماعی افغانستان را به خوبی بیان می‌کند؛ اما در داخل و خارج این سرزمین کم نیستند، کسانی که نفع خویش را در تجزیه و تضعیف این سرزمین جست‌وجو می‌کنند. جریان تغییر نظام سیاسی کشور، مخصوصا با بحران‌ها و معضلات کنونی فرصت جولان



با توجه به وضعیت فعلی و ساختار سیاسی – اجتماعی افغانستان، می‌توان گفت که بی‌ثباتی و ناامنی آن ریشه در بحران ملت – دولت‌سازی دارد. از معضل گروه طالبان که خواستار دولت اسلامی است، تا «جبهه مقاومت» علی‌پور که مدعی دفاع از مردم است، همه نشانه‌های ناکامی این روند است. براساس وضعیت فعلی کشور می‌توان گفت که ساختار کنونی نظام سیاسی افغانستان فاقد ظرفیت حل این بحران است و با مقتضیات سیاسی – اجتماعی مردم این سرزمین هم‌خوانی ندارد. این روزها که کنفرانس ترکیه و گفت‌وگو با طالبان در راه است، مسأله تغییر و بازساخت این نظام به موضوع گفت‌وگوهای سیاسی و روشن‌فکری ما بدل گشته است و سیاستمداران ما به دو گروه موافقان و مخالفان این تغییر تقسیم شده‌اند. موافقان تغییر ساختار سیاسی افغانستان به عدم تطابق ساختار کنونی با نیازها و ویژه‌گی‌های اجتماعی – سیاسی کشور تاکید می‌ورزند و این تغییر را مسیر برون‌رفت از وضعیت رقت‌بار کنونی می‌دانند. بر خلاف آنان، به باور مخالفان تغییر ساختار سیاسی، این تغییر زمینه‌ساز تجزیه افغانستان است. با مطالعه دقیق نظریات دو طرف گفت‌وگو، متوجه سوءتفاهمی می‌شویم که مانع تفاهم دو طرف می‌شود. موافقان تغییر ساختار نظام سیاسی، به افغانستانی می‌نگرند که ساختار سیاسی آن بر مبنای نیازهای اجتماعی – سیاسی آن شکل گرفته است. اما مخالفان تغییر ساختار سیاسی به افغانستانی می‌نگرند که در حال تغییر دادن ساختار سیاسی خویش است. یکی به مزایایی می‌نگرد که از تغییر حاصل می‌شود و دیگری به چالش‌هایی که در مسیر تغییر با آن مواجه می‌شویم. می‌توان راهکار برون‌رفت از بحران دولت – ملت‌سازی در افغانستان را در رفع این سوءتفاهم جست‌وجو کرد. زیرا شتاب‌زده‌گی موافقان تغییر ساختار نظام سیاسی کشور و ایستاده‌گی مخالفان این تغییر، هر دو مسیر ناکجا آباد را می‌پیمایند. تغییر ساختار نظام سیاسی یک کشور به آسانی تغییر سازه یک ساختمان نیست. در جریان این تغییر، از یک طرف بستر مداخلات سازمان‌های استخباراتی منطقه و جهان، مافیای سلاح و مواد مخدر و... به گونه گسترده فراهم می‌شود؛ از

منابع طبیعی و نظام فدرالی در افغانستان

امین محمدی، دانش‌آموخته بیولوژی

۳- انتقال گسترده و پیش‌بینی نشده درآمد منابع طبیعی، می‌تواند اقتصاد ملی و محلی را بی‌ثبات سازد. بنابراین، حکومت مرکزی باید از پروژه‌های غیرضروری پرهیز و برای مقابله با هر نوع رکود اقتصادی احتمالی یا نوسات درآمد منابع با سازوکارهای مناسب برنامه‌ریزی کند.

۴- اجماع در چگونه‌گی تقسیم درآمد برای ثبات سیاسی و دسترسی و تحقق اهداف حکومت. در افغانستان که اختلاف سیاسی و تنوع قومی (لسانی، فرهنگی، جغرافیایی و مذهبی) زیاد است، اجماع بسیار ضروری است. اگر طرف‌های ذی‌نفع در فرمول اختلاف نظر داشته باشند، ممکن است مشروعیت حکومت زیر سوال قرار گیرد و منجر به درگیری‌های بزرگ‌تر شود. ۵- شفافیت و نظارت مستقل بر تقسیم درآمد برای اعتمادسازی میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی، شفافیت، نظارت و حساب‌رسی‌های مستقل در همه تقسیمات درآمد منابع طبیعی، یک امر اجتناب‌ناپذیر است و همه جزئیات آن باید در دسترس عموم قرار گیرد.

با توجه به این واقعیت که در اکثر کشورهایی که دارای نظام فدرالی‌اند، همه واحدهای فدرال، دارای ویژه‌گی‌های اقتصادی و منابع طبیعی یکسانی نیستند؛ در چنین وضعیتی، فدرالیسم مالی یکی از ابزارهای بنیادین است که هم این همه تنوع در بافت جامعه را پاسخ مناسب می‌دهد و هم با تنظیم درست درآمدها و توزیع عادلانه آن، نیازهای هر ایالت را برآورده می‌سازد و از درآمدهای اضافی آنان برای انکشاف متوازن و سراسری و توسعه پایدار در هر گوشه و کنار کشور با برنامه‌های هدفمند استفاده می‌کند.

سرشار از منرال‌های خاکی کمیاب و فلزات اساسی است. در صورت رسیدن افغانستان به ثبات سیاسی، منابع منرالی در ولایات مختلف باعث به حرکت افتادن ماشین انکشاف و پایداری اقتصاد می‌شود؛ اما زیر سایه یک افغانستان فدرال، امکان این که ایالت‌های فقیر از این منابع نیز بهره‌مند شوند، خیلی کم است. از سوی دیگر، منازعات و خشونت‌ها ناشی از نبود یک دولت متمرکز در کشوری است که چهار دهه جنگ و خشونت را سپری کرده است. با توجه به مدل فدرالی شدن افغانستان براساس نژاد و زبان، دور از انتظار نیست که منابع طبیعی جنگ‌های داخلی – نژادی را شعله‌ور سازد. تجربه نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها توزیع مجدد درآمد منابع طبیعی، به خاطر نبود سازوکار منظم و عادلانه و گاهی فساد گسترده در این بخش، مشکل‌زا بوده و بحران‌های زیادی را به وجود آورده است.

برای توزیع عادلانه و کارایی در آمد منابع طبیعی چه باید کرد؟

۱- تقسیم درآمد منابع طبیعی باید هدفمند باشد و این اهداف توسط یک قانون و فرمول مشخص از سوی دولت مرکزی تنظیم شود که دربرگیرنده تمام ابعاد این سکتور مانند جبران آسیب از فعالیت‌های استخراجی، چگونه‌گی تقسیم منافع با مناطق تولید کننده باشد و از درگیری‌ها پیش‌گیری کند. ۲- قوانین حاکم بر توزیع درآمد منابع، باید منعکس کننده اهداف تعریف شده باشد. به طور نمونه، اگر یکی از اهداف کاهش فقر باشد، باید شاخص فقر به طور صریح در فرمول معرفی شود.

ایالات و ولایات دوباره توزیع می‌کنند. تقسیم مجدد درآمدها به مناطق مختلف براساس شاخص‌های متفاوت و مختلف صورت می‌گیرد. شاخص‌هایی از قبیل جمعیت، ویژه‌گی‌های جغرافیایی، میزان فقر و بیکاری و سطح عایدات و انکشاف آن ایالت مبنای تقسیم درآمد از سوی دولت‌های فدرالی است. البته بخشی از این درآمد برای همان ایالت تولید کننده و یا استخراج کننده در نظر گرفته می‌شود که در جریان استخراج معادن از لحاظ اقتصادی – اجتماعی و محیط زیستی آسیب‌های بیش‌تر ببیند.

خوشبختانه افغانستان دارای منابع سرشار منرالی است که تقریباً در همه ولایات این کشور گسترش یافته است. این کشور دارای ذخایر بزرگ سنگ‌های معدنی حاوی رگه‌های آهن، طلا، مس، منرال‌های خاکی کمیاب و منابع هایدروکاربنی در سطح جهان است. پراکنده‌گی منابع منرالی در افغانستان از جهتی با ارزش و سودمند است؛ اما از جهتی هم مشکل‌زا و خطرآفرین است. با فرض این‌که افغانستان دارای یک نظام سیاسی فدرالی شود، منابع منرالی به صورت خودکار در ایالت‌های مختلف تقسیم می‌شود. از این نگاه، خوب است که ایالت‌های مختلف دارای منابع طبیعی مستقل می‌شود؛ اما دو چالش عمده فراروی این مسأله وجود دارد: در بعضی ولایات و مناطق، معادن بسیار ارزشمندی وجود دارد که در ولایات دیگر وجود ندارد. مثلاً، در قسمت شمال افغانستان معادن بزرگ هایدروکاربنی موجود است که ارزش آن به میلیاردها دلار می‌رسد. هم‌چنان، در مناطق مرکزی کشور تنها معادن آهن موجود است. همین‌طور قسمت‌های جنوب و جنوب‌غربی کشور

این روزها که تنور گفت‌وگوهای صلح بیش‌تر از هر زمانی داغ است و لحظه به لحظه به نشست مهم و سرنوشت‌ساز «استانبول» نزدیک می‌شویم، بحث فدرالی شدن افغانستان هم در حال تبدیل شدن به یک گفت‌وتمان عمومی است. چهره‌های سرشناس حکومتی از این نوع نظام سخن می‌زنند و قلم به دستان مشهور یادداشت‌های بلند پیرامون این نظام می‌نویسند که می‌توان گفت؛ این روزها افکار عمومی در کنار مشغله‌های دیگر، درگیر این نوع نظام سیاسی شده است. گذشته از تمام حرف و حدیث‌ها پیرامون نظام فدرالی، بررسی توزیع و گسترش منابع طبیعی در افغانستان به عنوان یک سرمایه عظیم ملی زیر سایه نظام فدرالی ضروری است. با فرض این‌که نظام سیاسی آینده افغانستان فدرالی شود، فرایند استخراج، صادرات و معدن کاری در ایالت‌های مختلف چه می‌شود؟ بر سر ایالت‌های فقیر از منابع طبیعی چه خواهد آمد؟ درآمد حاصل از منابع طبیعی چگونه بین ایالت‌ها تقسیم می‌شود؟ آیا فدرالی شدن افغانستان تنور منازعات بر سر منابع طبیعی را داغ‌تر خواهد کرد؟

به دلیل اهمیت زیاد منابع طبیعی و نقش برجسته آن در اقتصاد ملی و بین‌المللی، درآمد از منابع طبیعی به عنوان درآمد جداگانه حساب می‌شود. در اکثر کشورها که دارای منابع غنی طبیعی‌اند، مانند نفت و گاز، زغال سنگ، طلا، الماس، نقره، مس و دیگر عناصر طبیعی، درآمد این بخش توسط حکومت مرکزی جمع‌آوری می‌شود. کانادا، ایتالیا، ایالات متحده امریکا (در شماری از ایالات)، هند، پاکستان، عراق، مالیزیا و... هرکدام طبق روش‌ها، قوانین و فرمول‌های مختلف، بخشی از این درآمدها را طبق برنامه‌های منظم به

از روی آوردن به گدایی تا دریافت پیشنهاد تن فروشی

شکیبا سعیدی



در گوشه‌ای از شهر مزار شریف، دهها معتاد در گورستانی شب و روزشان را سپری می‌کنند. در میان این معتادان، برخی از زنان نیز حضور دارند که با روی آوردن به اعتیاد، خانه و خانواده‌شان را ترک کرده‌اند. این زنان می‌گویند که پس از ازدواج به دلیل این که شوهران‌شان از مواد مخدر استفاده می‌کردند، معتاد شده‌اند و سرانجام شدت این اعتیادشان سبب شده است که برای دریافت پول جهت خریداری مواد مخدر از خانه بیرون شوند. شماری از این معتادان روزانه به گدایی در سطح شهر می‌پردازند و از همین طریق پول مواد مخدر و سایر نیازهای‌شان را تأمین می‌کنند. به گفته آنان، برخی از مواقع با مواردی روبه‌رو می‌شوند که مردان از آنان در سطح شهر در بدل پرداخت پول، درخواست نامشروع می‌کنند. براساس آمارها، بیش از ۱۲۴ هزار نفر در بلخ به اعتیاد روی آورده‌اند که از این میان، چهار هزار آنان ثبت شده‌اند. از میان آمار ثبت شده معتادان، ۱۶ درصدشان را زنان تشکیل می‌دهند و این آمار با گذشت هر روز افزایش می‌یابد. با این حال از چهار مرکز درمان معتادان، دو مرکز برای زنان و کودکان اختصاص یافته است. آگاهان صحتی ابتلای زنان به مواد مخدر را برخاسته از تأکید مردان می‌دانند و معتقدند که با این کار، مردان بار ملامتی را کم و از تقاضای طلاق زنان‌شان جلوگیری می‌کنند. مسوولان صحتی در بلخ نیز تصریح می‌کنند که شماری از زنان معتاد توسط تیم‌های صحتی و شماری دیگر توسط خانواده‌های‌شان برای درمان به شفاخانه‌ها انتقال می‌یابند. بدین ترتیب شفاخانه‌ها در کنار این اقدام، برنامه‌های تعقیبی را نیز روز دست می‌گیرند تا بیماران را در سه مرحله «سم‌زدایی»، «بازتوانایی» و «تعقیب» درمان کنند. نهادهای حقوق بشری اما پدیده اعتیاد میان زنان را نگران‌کننده می‌خوانند و معتقدند که اعتیاد یک زن به معنای بدبختی یک خانواده است. این در حالی است که پولیس بلخ در جریان یک سال اخیر ۲۳۰ قاچاق‌بر مواد مخدر را بازداشت کرده است.

بی‌بی‌گل، زنی معتاد است که مقبره‌ای در گورستان حالا خانه‌اش شده است. او شب و روز را در گورستانی که در «دشت شور» مزار شریف موقعیت دارد، پشت سر می‌گذارد و برای دریافت پول مواد مخدر و دیگر نیازمندی‌هایش گدایی می‌کند. گورستان دشت شور در سه کیلومتری شمال شهر مزارشریف موقعیت دارد که ۲۴ جریب زمین را در بر گرفته است و در آن صدها معتاد زنده‌گی روزانه‌شان را سپری می‌کنند. بی‌بی‌گل با موهای پریشان و سروصورت ژولیده در حالی که اطرافش با انبوهی از زباله‌ها احاطه شده است، در داخل یک گور که شاید یک متر عمق داشته باشد، مواد مخدر دود می‌کند. او در مورد این که چگونه معتاد شده است، به روزنامه ۸ صبح گفت: «۱۸ ساله بودم که عروسی کردم و به خانه شوهر رفتم. ایورهایم معتاد بودن و شوهرم هم گاه‌گاهی مواد مخدر استفاده می‌کند. مه این موضوع ره از پیش نمی‌فامیدم. ایورهایم گاهی پیسه مواد مخدر را از مه می‌خواستن و اگر برشان پیسه نمی‌دادم، مرا لت و کوب می‌کدن. روزها همی قسم می‌بود تا ای که ایورهایم به خاطر ای که راحت برشان پیسه بتم، مه هم معتاد ساختن.»

بی‌بی‌گل سیزده سال می‌شود که معتاد است. او زمانی که به اعتیاد روی آورد، با هزاران التماس از ایورهایش مواد می‌خواست، اما آنان برایش مواد نمی‌دادند تا این که مجبور شد به خاطر دریافت مواد از خانه بیرون شود. بی‌بی‌گل حالا بیشتر اوقات در جاده‌ها است و با گدایی پول به دست می‌آورد.

این بانوی معتاد از برخورد نادرست رهگذران نیز حرف‌هایی دارد: «بعضی وقت‌ها با مردم هم درگیر می‌شم. د بسیاری وقت‌ها بعضی‌شان درخواست رفتن با خودشان را از مه می‌کنن تا شاید از مه استفاده جنسی کنن.»

بی‌بی‌گل تنها بانویی نیست که این‌جا در قبرستان دشت شور مزارشریف مواد مخدر استفاده می‌کند. گرانه، بانوی جوان دیگری است که مواد مخدر استفاده می‌کند. او می‌گوید «پیش از معتاد شدن با شوهر و اولادهایم زنده‌گی خوبی داشتیم. هرچند شوهرم از قبل معتاد بود، اما خودم معتاد نبودم و اولادهایم هم به مکتب می‌رفتند.» او با چهره خسته و لبان خشک ادامه می‌دهد: «وقتی معتاد شدم، همه چیز خود ره از دست دادم؛ خانه، زنده‌گی، شوهر و اولادهای خود ره. دگه هیچ چیز برم مهم نبود.» گرانه چهار فرزند دارد که به دلیل اعتیاد خود و شوهرش به مواد مخدر، دختر ۱۴ ساله‌اش را به خانه امن فرستاده و پسر ۱۳ ساله‌اش را در مرکز تداوی نوجوانان بستری کرده است. درد فراق فرزندان گرانه را مجبور کرده است تا از اعتیاد دست بکشد. او با چشمان پراشک ادامه می‌دهد: «چهار طفل دارم، دوتای‌شان با خودم اس و یک بچیم ره د شفاخانه نوجوان‌ها د بین معتادان بستر کدیم. با وجودی که معتاد نیستم، اما از مجبوری. یک دختر خود ره د خانه امن بردیم.»

گرانه که در درازای چند ماه معتاد شده بود و نزدیک به دو سال مواد مخدر استفاده می‌کرد، اکنون برای تداوی به شفاخانه معتادان زن آمده است تا تداوی شود و از اعتیاد دست بکشد. او از دولت می‌خواهد که جلو فروش و کشت مواد مخدر را بگیرد؛ زیرا به گفته او، زمانی که مواد مخدر منع شود، دیگر کسی معتاد نمی‌شود. او گفت: «از دولت می‌خواهم که برای معتادانی که مواد ره ترک می‌کنن، توجه جدی کنن و برای‌شان زمینه کار ره مساعد بسازن تا دوباره به مواد مخدر روی نیارن.»

آگاهان صحتی می‌گویند که اعتیاد زنان به مواد مخدر عوامل مختلف دارد که یکی از عوامل افزایش این پدیده در میان زنان، تأثیرگذاری و نفوذ شوهر یا دیگر اعضای مرد در یک خانواده است. به باور کارشناس، بیش‌تر شوهران به این دلیل زنان‌شان را به مواد مخدر معتاد می‌سازند تا بار ملامتی‌شان را کم کنند و نیز زنان‌شان از آنان تقاضای طلاق نکنند. مسوولان شفاخانه معتادان در ولایت بلخ تصریح می‌کنند که پدیده اعتیاد در میان زنان نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. این مسوولان دلیل افزایش زنان به مواد مخدر را فقر، بیکاری و دسترسی آسان به مواد مخدر می‌دانند و آن را یک چالش بزرگ برای زنان می‌خوانند. عصمت کریمی، مسوول

شفاخانه معتادان ولایت بلخ، به روزنامه ۸ صبح گفت که در حال حاضر در این ولایت چهار مرکز تداوی معتادان وجود دارد که دو مرکز ۵۰ بستر و ۷۰ بستر برای زنان و اطفال را شامل می‌شود و در حال حاضر ۱۲۰ زن معتاد زیر معالجه قرار دارند.

به باور آقای کریمی، دسترسی به مواد مخدر یک چالش بزرگ است و معتادان به راحتی می‌توانند مواد تهیه کنند. او می‌گوید که در حال حاضر ۱۶ درصد معتادان را زنان و پنج درصد را اطفال تشکیل می‌دهند و متبافی مردان هستند. آقای کریمی می‌گوید: «آمار معتادان نظر به سال قبل متأسفانه افزایش پیدا کرده است. دلیل افزایش این است که فکتورهای مساعدکننده یا زمینه‌ساز اعتیاد نه تنها در سطح بلخ، بلکه در سطح کشور زیاد است، از قبیل فقر، بیچاره‌گی و بیکاری. از همه مهم آزاد به دسترس بودن مواد مخدر و ترافیک و قاچاق مواد مخدر از جمله فکتورهای ذی‌دخل در افزایش تعداد معتادان است.»

به گفته مسوول شفاخانه معتادان ولایت بلخ، آمار ثبت شده معتادان در این ولایت به حدود چهار هزار تن می‌رسد و در حدود ۱۲۴ هزار تن دیگر نیز از انواع مواد مخدر استفاده می‌کنند. آقای کریمی گفت: «معتادان خیابانی در حدود یک هزار و ۹۵۰ تن نزد ما راجستر شده‌اند که از این جمله یک هزار و ۵۰۵ تن‌شان را مردان، ۳۶۵ تن آنان را زنان و ۱۰۵ تن دیگر را اطفال تشکیل می‌دهند.»

داکتر وژمه راتب، مسوول بخش زنان شفاخانه معتادان بلخ، نیز می‌گوید که زنان توسط تیم صحتی از ساحه برای بستر در شفاخانه آورده می‌شوند و گاهی هم یک تعداد معتادان توسط خانواده و اقارب‌شان و بعضاً هم خودشان برای تداوی به این مرکز مراجعه می‌کنند. به گفته بانو راتب، دو مرکز ۵۰ بستر و ۷۰ بستر برای تداوی معتادان زن به مواد مخدر در این ولایت فعالیت دارد. او افزود: «مدت تداوی معتادان ۴۵ روز است که بعد از آن شفایاب می‌شوند و اگر خود مریضان خواسته باشند، برای ۴۵ روز دیگر هم می‌توانند در شفاخانه برای مراقبت بمانند.» او همچنان افزود: «ما برای مریضان معتاد بعد از رخصت شدن از این مرکز برنامه تعقیبی نیز داریم که نه ماه الی یک سال را در بر می‌گیرد.»

وژمه راتب در مورد این که معتادان زن در این شفاخانه چگونه تداوی می‌شوند، به روزنامه ۸ صبح گفت: «مریضان در مرکز ۵۰ بستر زنانه و اطفال صحت عامه ولایت بلخ شامل سه مرحله تداوی هستند؛ سم‌زدایی، بازتوانایی و مرحله تعقیب. ما معتادان را اول راجستر می‌کنیم، بعد از آن ارزیابی می‌شوند و برای‌شان اسناد آماده می‌کنیم و بعد از آن شامل پروسه تداوی می‌گردند. تمام شرایط تداوی

بیمه‌گل، زنده معتاد است که مقبره‌ای در

گورستان حالا خانه‌اش شده است.

او شب و روز را در گورستانه

که در «دشت شور» مزار شریف

موقعیت دارد، پشت سر معتاد

و برای دریافت پول مواد مخدر

و دیگر نیازمندی‌هایش گدایی

می‌کند. گورستان دشت شور

در سه کیلومتری شمال شهر

مزارشریف موقعیت دارد که ۲۴

جریب زمین را در بر گرفته است

و در آن صدها معتاد زنده‌گی

روزانه‌شان را سپری می‌کنند.

بیمه‌گل با موهای پریشان و

سروصورت ژولیده در حالی که

اطرافش با انبوهی از زباله‌ها احاطه

شده است، در داخل یک گور که

شاید یک متر عمق داشته باشد،

مواد مخدر دود می‌کند.

برای معتاد با موافقت خودش گفته می‌شود و معتاد مواد خود را به کلی قطع کرده تداوی عرضی برایش شروع می‌شود.»

سیدمحمد سامع، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر در زون شمال، می‌گوید که پدیده اعتیاد میان زنان در این اواخر بیش‌تر شده و این موضوع یک نگرانی جدی را به بار آورده است؛ زیرا معتاد شدن یک زن به معنای بدبخت شدن یک خانواده است. او افزود که از سویی هم دسترسی آسان زنان به مواد مخدر و اقدام نکردن دولت علیه آن، باعث افزایش این پدیده میان زنان شده است. آقای سامع گفت که حکومت باید فروشنده‌گان مواد مخدر را بازداشت کند و اگر در این مورد اقدام نکند، نه تنها زنان، بلکه جوانان و بزرگ‌سالان بیش‌تری معتاد می‌شوند. او از دولت و جامعه جهانی خواست که جلو قاچاق و ترویج مواد مخدر را بگیرند؛ زیرا در غیر آن افغانستان به یک جامعه معلول ذهنی مبدل خواهد شد.

با این حال اما عادل‌شاه عادل، سخنگوی پولیس بلخ، می‌گوید که نیروهای پولیس هر روز افرادی را که به معتادان مواد مخدر می‌فروشدند، بازداشت کرده به پنجه قانون می‌سپارد. به گفته آقای عادل، در سال گذشته حدود ۲۳۰ قاچاق‌بر مواد مخدر بازداشت شده‌اند. او افزود: «در سال گذشته ۲۳۰ تن موادفروش و قاچاق‌بر مواد مخدر را گرفتار کردیم که از آن جمله ۴۰ تن آنان عمده‌فروش بودند و متبافی پرچون‌فروش.» آقای عادل در مورد این که موادفروشان چگونه مواد مخدر را به دسترس معتادان قرار می‌دهند، به روزنامه ۸ صبح گفت: «موادفروشان کوشش می‌کنند از طریق‌های مختلف مواد را در داخل شهر انتقال بدهند. به گونه مثال موادفروشان مواد مخدر خود را بیش‌تر در سبدهای میوه جابه‌جا می‌کنند و از این طریق مواد را به معتادان می‌رسانند.»

گفتنی است که اعتیاد یکی از چالش‌های عمده در افغانستان شمرده می‌شود و افغان‌ها به ویژه در نقاط دوردست کشور به گونه عنعنه‌ای از مواد مخدر به عنوان دارو استفاده می‌کنند. براساس آمارهایی که سال گذشته از سوی وزارت امور داخله نشر شد، ۷۰ درصد مواد مخدر در نقاط زیر کنترل گروه طالبان کشت می‌شود. مسوولان این وزارت گفته بودند که تنها در جریان ۱۰ سال اخیر توانسته‌اند حدود ۳۱ هزار قاچاق‌بر و فروشنده مواد مخدر را بازداشت کنند. این وزارت در آن زمان آمار رسمی معتادان به مواد مخدر را بیش از سه میلیون نفر خوانده بود.

دبیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، شکیبا سعیدی، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شایق قاسمی، بهروز خاوری

ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

سناجر سهیل: sanjarsohail@yahoo.com
مجیب مهرداد: mujib_mehrdad@yahoo.com
خلیل اسیر: 8am.daily@gmail.com
حسبب بهش: mujib_mehrdad@yahoo.com
علی‌شاه حقمیل: mujib_mehrdad@yahoo.com
آسیه حمزه‌ای: mujib_mehrdad@yahoo.com
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

صاحب امتیاز: سناجر سهیل
مدیرمسوول: مجیب مهرداد
سردبیر: خلیل اسیر
دبیر گزارش‌ها: حسبب بهش
دبیر بخش خبر: علی‌شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad, mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af



عزیزی بانک
Azizi Bank

WOMEN'S CURRENT ACCOUNT

حساب جاری زنان

عزیزی بانک مسرت دارد که حساب جاری زنان را به شما معرفی می کند که محصولی اختصاصی برای جامعه محترم و شریف زنان افغانستان میباشد. محصول مذکور حساب جاری به پول مروجی افغانی و دالر امریکایی و دارای هزینه تخفیف در کارتهای ماشین های خود پرداز صرافتی و ماستر دیت کارت ها و همچنان خدمات رایگان پیام کوتاه و بدون هزینه نگهداشت حساب میباشد. این حساب با حد اقل 500 افغانی و 50 دالر امریکایی افتتاح میگردد که نازلترین نرخ برای بانکداری بتواند میباشد.

www.azizibank.af

1515

f in t y

سلطنت خانواده کاسترو بر حزب کمونیست کوبا پایان می یابد

رائول کاسترو، رهبر کوبا، اعلام کرد که از دبیر کلی حزب کمونیست این کشور کناره گیری می کند و این حزب پس از افزون بر شش دهه، بدون رهبری کاستروها به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

به گزارش رادیو فردا، رائول کاستروی ۸۹ ساله این موضوع را در جریان سخنرانی خود در افتتاحیه هشتمین کنگره حزب کمونیست کوبا اعلام کرد. حزب کمونیست کوبا، حزب حاکم و تنها حزب این کشور است.

رائول کاسترو به همراه دیگر انقلابیون از جمله چه گوارا به رهبری فیدل کاسترو در سال ۱۹۵۹ توانستند حکومت فولخنسیو باتیستا را سرنگون کنند. فیدل کاسترو و ارتش انقلابی او از آن زمان قدرت را در کوبا به دست گرفتند. رائول کاسترو در این سخنرانی تأکید کرد که مأموریت خود را به انجام رسانده و از آینده کوبا «مطمئن» است. رائول کاسترو با این حال در این سخنرانی خود نگفت که از چه کسی برای دبیر کلی حزب کمونیست کوبا حمایت می کند. او اما پیش تر از تمایل خود به دبیر کلی میگل دیاز کانل، که در سال ۲۰۱۸ عنوان رییس جمهور کوبا انتخاب شد، حرف زده بود.

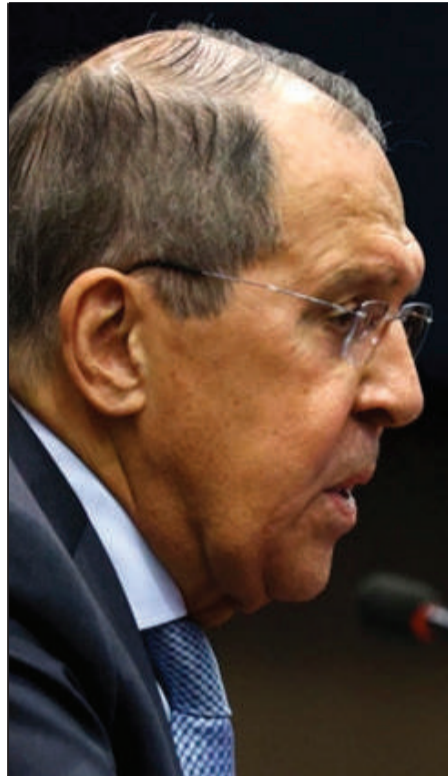
عکس های نشر شده توسط خبرگزاری رسمی کوبا از مراسم افتتاحیه هشتمین کنگره حزب کمونیست کوبا نشان می دهد که رائول کاسترو به همراه میگل دیاز کانل وارد محل برگزاری این کنگره شد.

به رغم این که میگل دیاز کانل، از نسل بعد از انقلاب کوبا است، ولی از اعضای خودی رهبری انقلابی کوبا محسوب می شود که قدم به قدم در این نظام رشد کرده و در حال حاضر، به نظر می رسد روی رهبری او اجماع وجود دارد. کنگره حزب کمونیست کوبا، مهم ترین جلسه این حزب است که هر پنج سال یک بار برای بررسی سیاست ها و تعیین رهبری برگزار می شود. نشست کنگره این حزب پشت درهای بسته برگزار می شود، اما بخش هایی از آن در تلویزیون دولتی پخش می شود.

رائول کاسترو در سال ۲۰۰۶ و در پی بیماری فیدل کاسترو، هدایت کشور را در دست گرفت و دو سال بعد در انتخابات به طور رسمی رییس جمهور کوبا شد. او سپس در سال ۲۰۱۱ به دبیر کلی حزب کمونیست کوبا رسید. به گزارش آسوشیتد پرس، رائول کاسترو اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را در کوبا دنبال کرد، اما در نهایت این برنامه با بن بست مواجه شد. از جمله این تحولات، اجازه داده شد که شبکه تلفن موبایل، سرویس پیامک و فروش موتر از طرف بخش خصوصی در کوبا انجام شود. روابط کوبا و امریکا در سال های پس از انقلاب تیره شد و تحریم های زیادی را امریکا علیه کوبا اعمال کرد. با این حال در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، روابط دو کشور دوباره از سر گرفته شد.

از زمان شروع ریاست جمهوری دونالد ترامپ در امریکا، واشنگتن تمایلی به ادامه سیاست خارجی دولت قبلی امریکا در قبال کوبا نداشت و اقدامات انجام شده توسط دولت را بازگرداند.

به رغم این که جو بایدن از تغییر رویکرد نسبت به کوبا صحبت کرده، اما سخنگوی کاخ سفید تصریح کرده است که موضوع کوبا از اولویت دولت جدید سیاست خارجی امریکا نیست.



آیت الله علی خامنه ای، رهبر ایران، نسبت به «فرسایشی» شدن این گفت و گوها به مسوولان دولت هشدار داده است.

آقای بایدن بار دیگر تأکید کرد از توافق هسته ای سال ۲۰۱۵ که در زمان حضور او در معاونت ریاست جمهوری باراک اوباما به دست آمد، حمایت می کند، اما برای بازگشت به آن «امتیازات عمده» نخواهد داد.

طبق این توافق در برابر وقفه در برخی از جنبه های برنامه اتمی ایران، تحریم های بین المللی هسته ای علیه این کشور برطرف شد، اما دونالد ترامپ، رییس جمهور سابق امریکا، پس از روی کار آمدن با خروج از این توافق، همه تحریم های اتمی ایالات متحده را دوباره اعمال کرد و تحریم های بیش تر و شدیدتری علیه این کشور به اجرا گذاشت.

ایران انتظار دارد که دولت جو بایدن، تحریم های دوران دونالد ترامپ را برطرف کند و دوباره به توافق هسته ای برگردد، اما ایالات متحده تأکید کرده که ایران ابتدا باید به تمامی تعهدات خود بازگردد. دو کشور تأکید می کنند که طرف مقابل باید در اجرای تعهدات برجای پیش قدم شود.

ایران برخلاف توافق برجای یورانیوم غنی شده خود را افزایش داده، غنی سازی ۶۰ درصدی یورانیوم را آغاز کرده و سطح بازرسی های آژانس بین المللی انرژی اتمی را کاهش داده است.

آقای خامنه ای گفته است که پس از رفع همه تحریم های امریکا، ایران با «راستی آزمایی» آن دوباره به تعهدات خود در برجای باز خواهد گشت.

حمله اسرائیل پس از پرتاب راکتهایی صورت گرفته که در دو روز گذشته از نوار غزه به سمت اسرائیل شلیک شده است. پس از شلیک این موشک ها، در مناطقی از جنوب اسرائیل آژیر خطر نیز به صدا درآمد. ارتش اسرائیل گفته که موشک ها در فضای باز فرود آمده و آسیبی به کسی نرسیده است.

تا کنون هیچ گروه فلسطینی مسوولیت حمله اخیر به اسرائیل را برعهده نگرفته است. ارتش اسرائیل اما گروه حماس را مسوول همه حملات از نوار غزه می داند. نوار غزه سال ها است که روی آرامش را به خود ندیده است.

حدود دو میلیون فلسطینی در شرایطی بسیار سخت و تحمل ناپذیر در نوار غزه زنده گی می کنند. اسرائیل محاصره نوار غزه را از سال ۲۰۰۷ آغاز کرده است. مصر نیز از آن پشتیبانی می کند.

سازمان ملل قبلاً با انتشار گزارشی هشدار داده بود که ادامه وضعیت کنونی سبب خواهد شد نوار غزه به کلی غیرقابل سکونت شود.

اقدام تلافی جویانه؛ روسیه ۱۰ دیپلمات امریکایی را اخراج می کند

وضع خواهد کرد. وی همچنین گفت دفاتر نهادهای غیردولتی امریکایی را که در روسیه حضور دارند، نیز خواهند بست.

روسیه سال ها است که نهادهای غیردولتی امریکایی را که اغلب در زمینه حقوق بشر و رسانه ای فعال هستند، به جاسوسی و برهم زدن امنیت کشور متهم می کند و فعالیت بسیاری از آن ها را ممنوع کرده است. آقای لاوروف نیز گفته است که این نهادهای در امور سیاسی روسیه «مداخله» می کنند.

وی همچنین گفت که مسکو در نظر دارد استخدام شهروندان روسی و کشورهای ثالث را برای کار در سفارت امریکا ممنوع کند و تنها شهروندان امریکایی حق دارند در سفارتخانه این کشور در مسکو فعالیت کنند. وی در ادامه گفت که محدودیت هایی نیز برای سفرهای کادر دیپلماتیک امریکا در خاک روسیه اعمال خواهد شد.

رادیو فردا گزارش داده است که در پی اخراج شماری از دیپلمات های روس از امریکا و اعمال تحریم های جدید واشنگتن علیه این روسیه، وزیر خارجه روسیه اعلام کرد که به تلافی این اقدام، مسکو از ۱۰ دیپلمات امریکایی خواهد خواست تا خاک این کشور را ترک کنند و تحریم هایی علیه هشت مقام امریکایی اعمال خواهد شد.

دولت امریکا روز پنجشنبه، بیست و ششم حمل، اعلام کرد که به تلافی دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ و حمله هکرهای وابسته به کرملین بر نهادهای دولتی امریکا، ۱۰ دیپلمات روس را اخراج و ۳۸ شخصیت حقیقی و حقوقی روسیه را تحریم می کند.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، روز گذشته گفت که به تلافی این اقدام، کشورش ۱۰ دیپلمات امریکایی را اخراج و تحریم هایی علیه هشت مقام ایالات متحده

بایدن: برای برگشتن به برجام، «امتیازات عمده» نخواهیم داد



نقش داشتن اسرائیل در این حادثه منتشر شده است. اعلام غنی سازی ۶۰ درصدی یورانیوم در حالی صورت گرفته که مذاکرات کمیسیون مشترک برجام در وین برای احیای برجام جریان دارد.

به گزارش بی بی سی رییس جمهور امریکا از مذاکرات وین استقبال کرده و گفته است: «ما خوشحالی که ایران پذیرفته به گفت و گو ادامه دهد.»

آقای بایدن گفت هنوز برای قضاوت درباره نتیجه نهایی این مذاکرات زود است، چون مذاکرات جریان دارد.

جو بایدن، رییس جمهور امریکا، می گوید هنوز زود است که معلوم شود مذاکرات غیرمستقیم با ایران در احیای توافق هسته ای برجام موفق خواهد شد یا نه.

آقای بایدن در یک نشست خبری با نخست وزیر جاپان گفت که اقدام ایران برای غنی سازی ۶۰ درصدی یورانیوم، «کمکی به این کشور نمی کند.»

ایران پس از حادثه در نیروگاه نطنز که هنوز ابعاد آن مشخص نیست، اعلام کرد که غنی سازی یورانیوم را به سطح ۶۰ درصد رسانده است. گزارش هایی از احتمال

اسرائیل مواضعی را در غزه بمباران کرد



همچنین تاسیسات تولید سمنت را در نوار غزه بمباران کرده است. به گفته منابع فلسطینی در بمباران ارتش اسرائیل به زمین های کشاورزی نوار غزه نیز آسیب رسیده است. ارتش اسرائیل و منابع فلسطینی تا کنون درباره تلفات جانی و زخمی ها گزارشی منتشر نکرده اند.

ارتش اسرائیل خبر داد که در واکنش به حمله موشکی از نوار غزه، اهدافی را در این منطقه بمباران کرده است. هنوز اطلاعی درباره شمار تلفات و یا خسارات وارده در دست نیست.

به نقل از دویچه وله ارتش اسرائیل در حملات تلافی جویانه یک مرکز آموزشی گروه حماس و